



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سوالات -

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

۱ شنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۲۷

میر: سید محمد شمشیری

سال چهارم - شماره ۱۱۱۴

صفحه ۳۷۶۹

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۴۶

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

۱- بقیه صورت مشروح مذاکرات صدویست یکمین جلسه دوره یازدهم	از صفحه ۱ تا ۱۵
۲- قانون	۱۵
۳- آگهی های رسمی	۱۶

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۳۱

صورت مشروح مجلس روز شنبه سیزدهم آذر ماه ۱۳۲۷

فهرست مطالب

- ۱- بقیه مذاکره در برنامه دولت
 - ۲- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس ساعت نه و نیم صبح به عنوان بعد از تنفس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱- بقیه مذاکره در برنامه دولت

رئیس - آقای باثماقلیچ بفرمائید

مهندس رضوی - بنده اخطار ماده ۱۰۹ دارم خواهش میکنم نوبت بنده را محفوظ بدارید

باثماقلیچ - جلسه ۳ شنبه قبل موقعی از اکثریت افتاد که بنده داشتم حضور نمایندگان معترم عرض می کردم دفاع من از مقامات و اشخاص روی احتیاج نبوده (مهندس رضوی - فعلا رفع احتیاج شده) و میگفتم دست حاجت جویری نزد خداوندی بر کریم است و کریم است و غفور است و ودود

مهندس رضوی - خداوند شریک دزدان نیست (صحیح است)

رئیس - آقای مهندس رضوی شما چند جلسه حرف زدید ساکت باشید که دیگران هم حرف بزنند.

مهندس رضوی - تمام مطالب من را تعریف

کردند.

رئیس - شما یادداشت کنید در موقع توضیحات خودتانرا بدهید

مهندس رضوی - عرض کردم خداوند با دزدها شریک نیست

باثماقلیچ - اگر هر کدام از آقایان بهترین نطقها باشند و پشت این تریبون بایستند و بخواهند صحبت کنند صحیح است که بگوئید رشته سخن از دستتان می رود ولی من نمیدانم مقصود چیست اگر مقصود این است که من هرايضم را نکنم، بیایم یائین و بروم عقب کارم اگر این عرضی که کردم من معتقدم که هر احتیاجی را بخداوند باید مراجعه کرد بخود آقایان از همه بهتر ثابت شده زیرا وقتی اعتبارنامه من مطرح بود و حکومت عدد بود، یعنی اگر ۵۰۰ هزار سپاه از یکطرف بطرف دیگر می رفت من در این مجلس نبودم، از یکی از نمایندگان محترم تقاضا

نکردم که بن کمک کنند و قسم دادم که روی ارفاق بن رای ندهند اگر معتقدید بکلام الله مجید، دیگر از این بهتر کسی نمی تواند حرف بزند، بنظر بنده يك اشتباه بزرگ برای من حاصل شده است که انشاءالله کم کم رفع می کنم آن این است که آزادی سخن در مجلس شورایی بکسی داده میشود که تمام مقامات حمله بکنند و بهر کسی دلش خواست نهدم بزند (مهندس رضوی - بکدام مقام من حمله کردم؟) اما اگر کسی آمد پشت این تریبون صحبت بکنند.... (مهندس رضوی - اسم ببرید بکدام مقام من حمله کردم. آخر مقام را معرفی کنید) (زنك رئیس) و خواست از کسانیکه بناحق بهشان حمله شده دفاع بکنند فوراً مورد حمله قرار میگیرد از پس و پیش و جلو و عقب فوراً با حمله میشود (خنده نمایندگان) و از هر طرف يك صدائی برخاسته میشود که آفانگو بکی بر میخورد؟ مگر من چه میخواستم بگویم آقا (دکتر اعتبار - آقا مطالب خودتانرا بگوئید) چشم، من میخواستم بگویم آقا دست را نیاستی بدون جهت برید و دوباره نیاستی آندست را با نسمان نمود و درست کرد، این نباید بشود، یا نباید برید و اگر برید دیگر نباید درستش کرد، برای اینکه آنشخص در فامیل و خانوانه و دوستانش آبرویی دارد وقتی آبرویش ریخت دیگر نتیجه ندارد.

● این بقیه مذاکرات مشروح یکصدویست و یکمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

بنده آمده‌ام که از دولت جناب آقای ساعد تقاضاهائی بکنم برای منطقه انتخابی خودم وقتی که در اردبیل رادیو گشت که جناب آقای ساعد دولت خودشان را معرفی کردند بنده از پای رادیو بلند شدم و سوار اتومبیل شدم و بکسر آدمم مجلس دو بهد از نصف شب با هم نویسی کردم برای اینکه تقاضاهای مولکین خودم را از ایشان بکنم چون وقت دیگری بمن فرصت داده نشده است که حتی ۵ دقیقه صحبت بکنم ، خود آقای مهندس رضوی هم ۲۰ دقیقه بهماز بنده آمدند بنده نمایانستم که ایشان چه میگویند که جواب فرمایشات ایشان را بدهم بنده یادداشت میکردم ، در حدود سی صفحه یادداشت کرده بودم که از چهارم میشود این مملکت را از فقر ویربشانی نجات داد و آنچه که در حدود ۲۰ سال بادست خالی تجربه نمودم شروع کردم بکار کردن از راه درستی وامانت که ثابت میکنم حالا از راه درستی بیابید بیک شاهرهای بیاندازید و این دو دستگی که هست وروقتی که انسان در حال مردم مشاهده میکند از بین میروند وقتی که آقای مهندس رضوی آمدند شروع کردند بصحبت بنده تنها کسی بودم که فریاد میزد صبح است **مهندس رضوی** - همه مجلس میگفت صحیح است ، بنده برای ملت ایران صحبت کردم ، اکثریت مجلس تصدیق میکرد

رئیس - آقای مهندس رضوی ساکت باشید **باتمانقلیح** - تمام بیانات ایشان را نسبت به نفت و نسبت بقدر عمومی من موافق موافق بودم یک قسمتهایش هم بنظر من زیان داشت یادداشت کردم که بیایم با کمال صراحت بگویم آقا دوست عزیز همکار عزیز اشتباه کردید این قسمتهارا ایشان هم گاهی اشتباه میکنند یاد داشتهای خود را برداشتم آدمم در این مجلس آقای دکتر اعتبارالنفات بکنید چون شاهم باید قضاوت بکنید تا شروع کرد که آقا اصل روی آوردستی است اصرا نیشود روی دزدی گذاشت هیچکس نمیتواند کسی را محکوم بداند مگر یک حکم قضائی و قانونی او را محکوم کرده باشد از آن طرف یک صدای بسیار سائسی بلند شد اسم نمیزد یک صدائی بلند شد که آقایان حرفها را نگذارید بزنند این تند نویسی مجلس است بنده فرائد کردم من نفهمیدم بنده که چیزی نمی خواستم بگویم خواستم بگویم که آقا نیشود بمرم تهمت زد دو دقیقه بدش فریاد زدند که آقا این ارز گرفته ۳۳۰ هزار دلار دزدها شریک خدا نیستند (مهندس رضوی - مگر نگرقتید) دزدها چه کردند و چه کردند من بقتدری خودم را نگاه داشتم دیگر دیدم نمی شود گفتن آقا من دزدی نکردم من بزرگترین خدمت را خواستم باین مملکت هستم من را جزو دزد خادم حقیقی این مملکت هستم من را جزو دزد خطاب میکنند من دزد نیستم هر که نقش خویشتن بیند در آب وقتی یک کسی دزد شد دیگر راجع بدولت جناب آقای ساعد نباید صحبت بکنند زیرا دولت آقای ساعد مدافع دزد لازم ندارد، ایشان به یاکی در ایران معروفند (صحیح است) حرف که تأثیر ندارد ینبه که از گوشها برداشته نیشود آقای نبوی میخوام شما هم اینجا قضاوت کنید می خواهم آقایان دقت کنند زود تر هم هرایبضم را تمام بکنم بنده مختصر می بکنم یک ساعت هم

وقت آقایان را بیشتر نمیگیرم ، پنجروز وقت می خواستم ولی یکساعت بیشتر نمیگیرم ، گفتن من چرا وقت مملکت را بیهوده تلف کنم، پنج دقیقه دقت بفرمائید من گفتم پس باید من اول از خودم دفاع کنم موضوع دولت کنار رفته است زیرا من مورد تهمت قرار گرفتم و بایستی دفاع کنم گفتم آقا من دزدی نکردم من ترا کتوری را که ۳۷ هزار تومان میفرودختند رفتم آمریکا وقتیکه وضع کشاورزی امریکا را دیدم وضع کشاورزی ما مسخره است ۳ ماه ماندم نمایندگی بهترین کارخانهها را گرفتم آدمم و آنوقت جناب آقای دکتر سجادی وزیر اقتصاد ملی بودند یک نامه ای نوشتم گفتم آقا من این نمایانگی را گرفتم برای مملکت ایران اگر میخواید ایران از فقر بیاید بیرون نمایانگی را در اختیار شما میگذارم شما خودتان سفارش بدهید ترا کتور بیاورند و گفتم که منافعی هم لازم ندارد اینطرف و آنطرف ارز بدهند و نهند ۶ ماه طول کشید تا آدمم آقای بوشهری بودند من پیشنهاد کردم که اگر یک کسی را دیدید یک دلار اضافه از قیمت کارخانه فروخت برای همیشه مجرم از ارز دولتی باشد و بایستی برای هر یک دلار صد دلار جریمه بدهند این را من در آیین نامه پیشنهاد کردم خط من است گفتم آقا بایستی این «افر» ها را در امریکا جناب آقای علاه و وزارت بازرگانی تصدیق کرده باشند که قیمت حقیقی است چون در روزنامه ها نوشته بودند شرکت آسودان گرفته شد باین ترتیب که وزارت کشاورزی بیان ملی دستور میدهد بکار گزاران بیورکش که ۳۳۰ هزار دلار در اختیار فلان کارخانه بگذارید وقتیکه ترا کتور ها را با این مشخصات حمل کردند و وقتی هم که آمد اینجا هر کسی صد هکتار زمین قباله یا ملک دارد یا اجاره کرده است حواله بکنند وقتی دو هزار دلار یک ترا کتور است در ۳ تومان و دو قران و ده شاهی ضرب میکنند در میآید ۷۰۰ تومان این ترا کتور را حواله بدهند این را اعلان بکنید که شرکت آسودان بدهد

مهندس رضوی - چرا وزارت کشاورزی اعلان شما را تکذیب کرد؟

رئیس - آقای مهندس رضوی ساکت باشید بگذارید حرفشان را بزنند

اردلان - آقا اینکه وضع مجلس نیشود ما میخوایم گوش بدهیم

باتمانقلیح - آقا بنظر من امروز یک نظری هست که نگذارند من حرفهایم را بزنم و هرایب من قطع شود و مجلس را بیک صورت بهی در بیاورند اینها را من خبر دارم من روی سخنم بیاید اینطرف (خنده نمایانگان) (دکتر مجتهدی - آقای بودافغان که اینطرف هستند) آقای بودافغان هنوز نیامده است آقایان نمایندگان دیشب در یکی از روزنامه ها گویا اطلاعات بود (مکی - دیشب اطلاعات تعطیل بود) خواندم که مقداری آرد از امریکا میآورند وقتی که من این خبر را خواندم خداوند شاه میدیدم که زدم توی سر خودم فکر کردم مملکتی که میتواند ملیونها تن آرد بخارج صادر کند بایستی از امریکا آرد وارد کند خدا با من یکجا بروم (مکی - بافریقا)

آدمم فکر کردم که من چه جور حرف بزنم دیگر اثر هم ندارد بحال مملکت ملت می وقتی باید گریست که عمل اجتماعی از میان آن رخ برسته باشد و گوش نهند حرفی را و قضاوت کنند همان ساعت اول هر حرفی را که بنظرشان گرفت نکوبند که آخر ما بیبینم چه میخواید بگوید و قضاوت بکنیم واقعا شاید یک کسی در این مملکت بخواهد نظرش خدمت و امنی باشد مثلا حالا برایتان عرض میکنم وقتی دیدند موضوع ارز را من جدا کردم آقای صدر کشاورز و آقای فرامرزی گفتند که این باتمانقلیح چند پارچه ملک درمازندران دارد در روزنامهها که این موضوع اینجور نوشته نشد که ایشان اینجور گفتند و من گفتم که من یکسویس ملک دارم این را که نوشتمند که بنده گفتم برای تقسیم املاک حاضر و وکالت ثبتی هم نوشته ام که الان آقای سردار فرخ حکمت رئیس مجلس تقدیم میکنم

مهندس رضوی - شما مال مردم را خورده اید حالا می بخشید.

رئیس - آقای مهندس رضوی بشما اخطار می کنم .

مهندس رضوی - اسنادش اینجا است

رئیس - از ماده ۱۰۹ در موقع استفاده کنید .

باتمانقلیح - آدمم اول راجع باثبات ارزی که گرفتم راجع بترا کتور و وکالت دادم آقای فرامرزی و آقای مهندس رضوی که در تمام پروندههای ۳۳۰ هزار دلار حق قانونی بلاعزل دارند رسیدگی کامل کنند چه در ایران چه در امریکا بوسیله جناب آقای علاه (مهندس رضوی - بنده وقت ندارم) تقاضا میکنم جناب آقای برزین گوش بدهید اینجا را قضاوت کنید شما که قاضی خوبی هستید قضاوت بکن و من را هم محکوم بکن قربانت میروم یعنی هر چه باید قضاوت بکنی بکن آخر یک عمر من فحشا شنیدم کتکها خوردم که بیایم پشت این تریبون مملکت را از این فقر نجات بدهم من فکر دارم دست دارم من مردمم حالا در روزنامه ها هر چه دلشان میخواید بگویند من با خیال حرف نمیزنم بیابید مجلس شورای ملی ایران بیابید فقط اجازه بدهید کشاورزی ایران را من رسیدگی بکنم اگر شما سالی یا چند هزار تن گندم از سال اول خارج نکردید هر چه میخواید بگوئید سالهای دوم یک میلیون تن ، دومیلیون تن تا صد میلیون تن ایران جا دارد که گندم صادر بکند شما یک مغان را آباد کنید گندم تمام ایران را میدهد (صحیح است) مهندس رضوی - این قسمت صحیح است) آدمم اینطور نوشتم بعلم رسید بعقل ناقص آخر من که ادعای عقل نمیکند اینطور رسید که اول من متهم باشم ملت ایران بیبنده اندام رادیو آقا من گله نمیکند از کارمند هایش سر نطق من را از اینجا شروع کرد که آیا من دزدم یا خدمتگذار اصلا آن جلوی او را نکفت جریان کار را نگفت که یکی بمن گفت دزد من جریان را گفتم که آقایان قضاوت کنند اگر من دزدم چرا توی این مجلس باید باشم از دزد باید سلب مصونیت بکنید برودنی کار میبظور که من خواستم همین جور که من خواستم اسرار دو سه نفر را فاش کنم ولی رفقای فراسبوی

ما که من در تحت اختیار وهانشان صد در صد هستم بن امر فرمودند که مجلس جای این کارها نیست **فرامرزی** - بکنید اینکارها نمی شود چرا نمی گوئید **مهندس دماوندی** - شما خیانت میکنید آقای باتمانقلیح (زنک رئیس)

فرامرزی - من میگویم توی ارز گرفتنی توی بگو من چه کردم ؟ من میگویم توی ۱۳۰ پارچه ملک درمازندران داری توی بگو من چه دارم ؟

رئیس - آقای فرامرزی اجازه بدهید حرفش را بزنند نوبت شما هم میرسد

باتمانقلیح - آدمم این جور نوشتم در خصوص پروانه ۳۳۰ هزار دلار ارز دولتی که بنام شرکت سهامی آسودان جهت وارد نمودن ترا کتور و تقسیم آن بین کشاورزان تحت نظر وزارت کشاورزی صادر گردیده اینجا جناب آقای عبدالرحمن فرامرزی و آقای مهندس رضوی و کالت بلاعزل میدهم آنچه اضافه بر صدی پانزده که برای تشکیلات منظور گردیده و سودی که بیانگها داده میشود بهر مبلغ و بهر عنوان باشد تصرف نمایند (این کله اضافه میشود که برای تشکیلات منظور گردیده سود حاصل شده) بهر مبلغ و بهر عنوان باشد تصرف نمایند و حق هر گونه بازرسی را چه در ایران توسط خودشان و چه در امریکا بوسیله جناب آقای هلا سفیر کبیر ایران در امریکا دارند مشروط بر این که پس از تعیین ارقام اضافی مراتب را بوسیله مجلس شورای ملی و روز نامه اطلاعات و کیهان به اطلاع عامه برسانند ، این را بنده در جلسه قبل چون شب بود و وقت نبود حاضر کردم و صبح دادم بردند و امضایم را تصدیق کردند ولی چون دیدم ممکن است بگویند ثبت اسنادی نیست رفتم این را هم اینطور درست کردم و آنوقت برای این که دیدم که آقای دکتر بقائی میل دارند که با این شتاف شریک باشند (مهندس رضوی - جسات نکنید آقا، دکتر بقائی میخواید با من شریک شوید ؟ اینجا شما تمام قضایا را وارونه جلوه میدهد) (دکتر اعتبار - آقای رئیس اینجا برنامه دولت مطرح است ما با مشاجرات املاک . .

دکتر اعتبار - آقا خواهش میکنم این حرفها را اول کنید

مکی - آقا حق ۱۰۹ باید برای دکتر بقائی گذاشته شود

رئیس - بالاخره هر کس میتواند حرفش را بزند بگذارید بگویند

باتمانقلیح - بنده تا این اندازه می خواهم برض آقایان برسانم که برای شخص من همین یک کت کافی است (احسن) هراستی آقایان حاضر شدند برای اینکه در وضعیت تقریری بدهند من حالا هوابدش را می گویم تقسیم میکنم آنروز اصلش را تقسیم میکنم لاجه اش را هم بنویسد اول شخص هستم که امضاء میکنم وکالت هم با آقای سردار فرخ حکمت ثبتی و بلا عزل دادم که او بتواند از طرف من امضاء کند

رئیس - از این حسن ظن شما من تشکر می کنم .

باتمانقلیح - راجع به ۱۳۰ پارچه ملک مازندران اشتباه کردند ۲۰۰ پارچه است مال بنده

(مهندس رضوی - مال شما نیست مال ملت است) چه جور میتواند یک کسی را که بهش دزد گفتند بیاید پشت این تریبون حرف بزند من از موقعیکه غالباً اشخاص از ایران فرار می کردند بکمه های آمدند بمن مراجعه کردند که املاک ما زاندران سهم ورته سردار کبیر را می خواهند بفروشند آدمم ۶۰۰ هزار تومان سهم ورته سردار کبیر را خریداری کردم ورته سه سالار هم آمدند گفتند ما هم چون عمو می بوده بوجوب نامه ای ما هم حق داریم در حدود ششصد هزار تومان هم ترک ادعای آنها را ثبتی گرفتیم بکمه ای از ما زاندرانها آمدند گفتند جد سه سالار این املاک را بزور از ما گرفته آدمم در معکمه و نوشتم که تمام اینها صحیح میگویند و املاک که مورد ادعای آنها است آنها را هم بایشان واگذار کردم مانند ۶۰ ، ۷۰ ، پارچه ملکی که آنروز من یک میلیون و دویست هزار تومان بولی که داده بودم امروز ۲۰ میلیون تومان ارزش آن است من منفعتی نبردم حالا هم این املاک را بیابید تقسیم بکنید (مسعود ثابتی - یک کسی می خواهد املاکش را تقسیم کند چه ضرر دارد ؟ چرا ننگذارید ؟) من تجارت کردم و بنظرم خداوند تاجر را بی آبرو فرض نکنند و تجارت یکی از کارهای شرعی است البته احتکار بد است حق کسی را ضایع بکنند بد است اجناس را از خارج بیاورند و بگویند ما ده تومان بفروشند بد است من در زمان جنک آقا یک قران کار نکردم رفتم بمالیات بردم آمد نوشته من تاجر وارد کننده و نه صادر کننده هستم و نه حمل و نقل دارم در یکی دو تا شرکت ۳۰۰ هزار تومان و ۶۰۰ هزار تومان سهم داشتم و آنها خودشان میدانند چه حور میکنند (مهندس رضوی - این برای ندانن مالیات بوده است) مالیات هم شما ما مورید از طرف مجلس شورای ملی هر مالیاتی که من بدهی دارم معین کنید بپردازم ، خوب حالا بنده باید خیلی مختصر و کوتاه یک عرایض بکنم بدانید که سر و ته آن زده شده تمام خط ها که بقامات و اسم و جا و کی و اینها مربوط بوده اینها را بکلی برداشتم یک چیزی شده که خیلی ساده است یعنی دیگر هر کسی میتواند بفهمد که من چه میخوام بگویم گفتم که حقیقت امر این است که چون شرکت نفت در مقابل تقاضای های عهیده ملت ایران قرار گرفته و ملاحظه میکنم که برای جلب رضایت ملت ایران ناچار است سالی چند میلیون لیره اضافه بر قرار داد فعلی بما بدهد (آزاد - اصل پول را نداده ، اضافه بر قرارداد چه بدهد ؟) صحیح است ، راست میگوئید من هم دارم همین بیانات آقا را میکنم (دهقان - صحبت های شما را آقای آزاد تأیید میکنند) میخواید یکی از نقشه های دیرین خود را عملی کرده در مقابل پرداخت سالی چند میلیون لیره اضافی چندین برابر آنرا از تأمین مصرف شهرستانهای سهم ایران بوسیله گاز جاهای نفت مسجد سلیمان و حمل مواد نفتی در سراسر ایران و تأسیس مراکز برق بوسیله گاز های اضافی که بکار بیفتد سود حاصل نماید ولی توقع مردم وطن دوست این کشور و عقلای جامعه ایران اینست که آرزوها را بسرمایه و بدست خود ایرانی انجام بدهد (صحیح است) و کلابرق و شیرهای گاز و اختیار توزیع مواد نفتی در تمام کشور بدست خود دولت و ملت ایران باشد (مهندس رضوی دولت، دولت صحیح است

دولت یعنی تمام ملت، نه اشخاص ، فقط بدست دولت) و شرکت همان طوری که آرزوی ملت ایران می باشدو بارها گفته شده درمواد قرارداد تجدید نظر نموده و سهم ما عادلانه بپردازد و حقوق از دست رفته ملت ایران را مسترد دارد . اگر آقای بودافغان پیشنهاد می کردند که شرکت نفت گازهای اضافی جاهای نفت ایران را که ناچال بهر میرفته برای بکان در اختیار ما قرار دهند و شرکت هم توزیع آن را از محل جاهای نفت بنام نقاط ایران بدولت ایران واگذار مینمود بنده یکی از موافقین این پیشنهاد بودم ولی بانعین سالی چند میلیون لیره بردوش ملت ایران و سیرده کلید آن بدست شرکت نفت و جدانا نمی توانم موافقت کنم. آقای ناطق محترم بقین دارم مقصود شما حفظ منافع ایران بود ولی کسی که این ارقام پیشنهادها را در اختیار شما گذاشته و شما را بیجهت در آن تهییج کرده و بهترین مرقبت تبلیغاتی را بدست شما داده دلسوز ملت ایران نبوده

مهندس رضوی - شما غلطی کنید کمی گوئید کسی داد

رئیس - شما اختصاری کنم حق ندارید این حرفها را بزنید (همه و تشنج شدید)

محمد علی مسعودی - این که مجلس نمی شود نباید بکسی فحش بدهند

دهقان - چرا آزادی را سلب می کنید بگذارید حرفش را بزند ، این آزادی نیست

رئیس - بنشینید آقای دهقان ساکت باشید .

صفوی - نمی گذارند از حقوق ملت ایران دفاع کنند

رئیس - اگر بخواهید شلوغ کنید تصمیم دیگری می گیرم راه باید گذاشت هر کسی حرفش را بزند

باتمانقلیح - تا این لبوان آب سرد آبدارد من عصبانی نمی شوم

(در این موقع مجلس از اکثریت افتاد)

رئیس - آقا تأمل کنید پس از چند لحظه مجدداً اکثریت حاصل شد) بفرمائید

باتمانقلیح - دلسوز ملت ایران نبوده فریب ظاهر او را نغورید . هلاقندان این طرح دیر گاهی است که میخواهند این صدارا از حلقوم شخص احساساتی و بساک وسیله مثل شما بلند کنند همینکه قرارداد گاز بسته شد و گلوی تحیف ملت ایران در چنگال توانای شرکت نفت قرار گرفت بایک فشردن میتواند بقیه رمق ما را هم بگیرد ، همینکه اصول احتیاجات خود را با سوزاندن گازی که دست فروشنده ای توانا است تطبیق کردیم بطوریکه در شهریور ۲۰ در مورد بترین دیدیم هر ساعت رشته جات ما در تهدید قطع و وصل است

دکتر اعتبار - گاز مال ایران است

مهندس رضوی - این حرفها بضر این مملکت بدبخت است کمی خواهند خاز جها بجا بدهند بکشید

صفوی - آقای رئیس اینکه وضع مجلس نیست دو دقیقه اخطار کردید دفعه سوم رأی بگیرید

مهندس رضوی - رأی بچه بکشد آقای صفوی توی مدافع حقوق انگلیسهامستی، تو خیانتکاری ، معرفی می کنم

بجامه .
رئیس - آقای مهندس رضوی دودنه بشما
 اخطار کرده ام مجبور ایندغه تصدیق دیگری بکرم
 چرا نمیکذارید صحبت کنند آخر همینطور که شما
 حرف زدید همه کس میتواند حرف بزند گفتم
 بشما طبق ماده ۱۰۹ اجازه میدهم شاهم حرفتان
 را بزنید
باتما نقلیچ - تمام افراد ملت ایران مجبور
 خواهند شد روزانه مقداری از هوایند خود را . .
صفوی - نظامنامه را بیاورید ببینیم
رئیس - شما دیگر لازم نیست نظامنامه
 ببینید ، من بهتر مواظب هستم بفرمائید آقا
باتما نقلیچ - تمام افراد ملت ایران مجبور
 خواهند شد روزانه قسمتی از هوایند خود را تحویل
 شرکت نفت در لندن بدهند نتیجه هرايضم اینست که
 بعنوان اعطای امتیاز گازیشرکت نفت جنوب دیگران
 هم بفرک تازه ای افتاده که مجدداً زحماتی برای ما
 ایجاد خواهد شد که هواقب آن معلوم نیست آقایان
 این قسمت را نفت کنید (دکرتبا - صحبت از امتیاز
 گاز نیست) بعنوان اعطای امتیاز گاز بشرکت
 نفت جنوب دیگران هم بفرک تازه ای افتاده و
 مجدداً زحماتی برای ما ایجاد خواهد شد که هواقب
 آن معلوم نیست استخراج نفت باید بدست ایرانی و
 تقسیم آن در داخله هم باید بدست دولت ایران و
 ملت ایران انجام شود (مهندس رضوی- صحیح است
 باید بدست دولت ایران باشد ولی خودتان نمی فهمید
 چه میگوید) (زنک رئیس) خوب آقای رئیس
 اگر من نمی فهمم که دیگر چه عرض بکنم من
 عرایضم یادم رفت
رئیس - من شمارا آقای مهندس رضوی از
 حق ۱۰۹ محروم میکنم و نمیکذارم صحبت
 کنید
باتما نقلیچ - آقایان محترم مگر فراموش
 کردند که شرکت نفت در اثر الحاق قرارداد اداری
 و انعقاد قرارداد فنی در مقابل پرداخت سالی چند
 میلیون لیره علاوه بر امتیاز سابق چه مزیت بزرگی
 بدست آورده و چگونه با تمدید مدت ۶۰ سال امتیاز
 معادنی را که میبایستی در سال ۱۹۶۰ بجا واگذار
 کند تا سال ۱۹۹۳ بهره برداری کرده و موقعی با
 مسترد میدارد که ذخایر نفتی آن تمام شده و قابل
 استخراج و بهره برداری نخواهد بود؟ (صحیح است)
 و مقید به دولت ایران بایستی همانطوریکه در قانون
 مصوب مجلس شوراییلی تصریح شده نقشه برداریهای
 لازم از کلیه مناطق نفت خیز کشور که خارج از حوزه
 امتیاز شرکت نفت میباشد بعمل آورد و با تأسیس
 شرکت های داخلی و استخراج معادن نفت ایران اقدام
 نموده و گازهای حاصله از جاهای مزبور را برای
 توسعه صنایع جدید و ایجاد کارخانجات جدید و تأمین
 روشنائی شهرستانهای مختلف کشور اختصاص بدهیم
 و رشته حیاتی کشور را بدست بیگانگان نسیاریم
 (مهندس رضوی- و داخله حوزه را بدهیم آنها بخورند؟)
 (زنک رئیس) ایشان میگویند جمله دوم را مجدداً
 بخوانید میگویند خارج از امتیاز عمل کنیم چرا؟
رئیس - بشما چه ربطی دارد بشما چه میگوید
 او معتاد است هر حرفی میخواهد بزند اگر مضر

کند و بخواهد يك كاری برای ملت ایران انجام دهد ؟
 اساساً یکدستهایی در کار است جناب آقای ساعد
 که نمیکذارند دولتها بماند تا وارد مذاکره بشود
 من چه بکنم در اینجا از ذکر این نکته ناگزیرم
 که اگر این کار مطابق آرزوی نمایندگان محترم
 انجام نشود و حقوق از دست رفته ملت ایران مسترد
 نگردد اول کسی که رای عدم اعتماد بکابینه ایشان
 میدهد خود بنده خواهم بود قبول دارید جناب آقای
 ساعد ؟ اما آنچه که اهمیتش از نفت و شیلات کمتر
 نبوده و با اختصار از آن ذکر شده موضوع بحرین
 بود آیا بخاطر دارید که در برنامه های دولت های
 گذشته مفصلاً در اطراف آن بحث شد و شما آقایان
 نمایندگان نشستید و گفتید و برخاستید و همه تصدیق
 فرمودید و حرارتها بخرج دادید و استرداد فوری
 آنرا خواستار شدید ؟ نتیجه آنها هم گفت و شنودها
 چه شد ؟ حالا بنده از جناب آقای ساعد خواستارم
 اقدامات لازم را نموده و هر چه زود تر مسئله بحرین
 را روشن سازند و این برده جدهائی را در دیده دخاک
 بیشتر ایران را در جزایر بحرین که همیشه هضو
 لاینفک ایران بوده است تأمین نمایند (صحیح است)
 و چنانچه موضوع بامذاکره حل نشد جریان امر
 را باطلاع مجلس شوراییلی برسانند تا با تصویب
 آقایان نمایندگان محترم بوسیله همین ارتش میهن
 پرست و فدائکار شیوخ خود سر را سرگویی نموده
 حاکمیت ایران را در جزایر بحرین مستر
 نمایند (صحیح است) بشرط آنکه يك دولت را
 بگذارید لااقل سه ماه بدون حمله باو مهلت بدهیم
 شما آقایان همه تان را من میدانم که يك نفر در
 این مجلس نیست که علاقمند به مملکت نباشد فرد
 فردشان قسم یاد میکنند بآن کلام الهی که اینجا
 قسم خوردم همه شان مردمان یا کی هستند و میل
 دارند مملکت اصلاح شوند هم او زوم میخواهم آن
 هم او زوم میخواهد (مهندس رضوی - شماراز
 میخواهد مانده خواهم فرقت این است) من راجع
 بارز نوشته بودم میگندم از آن شش صفحه است
 (ممتد دعاوندی - بخوانید آقا) راجع بعسلی خان
 و ارز و اما آنچه راجع بطق نصرت و تطبیق آن
 با کلمه خارجی «آرک» دو تریف « اشاره کردند
 باید متذکر باشند که هیچیک از لغات نامبرده در این
 مورد مصداق ندارد (بعضی از نمایندگان - این را
 هم بگذارید کنار) راجع بتریاك هم حرفی نزنم ؟
 (نمایندگان - بفرمائید) آقا راجع بتریاك اگر نگویم
 بزرگترین خیانت را بایران کرده ام ، اگر ایران
 سه میلیون جمعیت با خون پاک و سالم و با قدرت داشته
 باشد بهتر از این است که صد میلیون ولی بی اراده
 داشته باشد (صحیح است) بنده موقر را منتقم شمرده
 و میخواهم از نادر شاه افشار که یکی از سلاطین
 بزرگ ایران بوده و استقلال ایران را بدست آورده
 و خدمات فراموش نشدنی او برصوم جهان بوشبه
 نیست دفاع کنیم و اینکه آوردن تریاك را بایران باو
 نسبت داده اند جدا بکنیم بکنیم زیرا ایشان اگر بتاریخ
 مراجعه کرده بودند برایشان ثابت میشد که در زمان
 های قبل از نادر شاه کشت تریاك در ایران معمول
 بوده و حتی سیاحانی که در دوره صفویه بایران آمده اند
 نوشته اند که معمول فراملجانب و کازرون تریاك میباشد
 و اما راجع بصرف عرض میکنم من يك دوستی

دارم (نمایندگان - اسم ببرید) آن دوست من
 بدبختانه و متأسفانه آلوده هست يك روز من باو گفتم
 که توفیقات راجع بتریاك چیست؟ گفت بیا با من
 برویم بنده رفتم منزل او کتابخانه اش را باز کرد
 خودش نویسنده است در حدود بیست صفحه راجع بصضار
 تریاك و زبانیه که برای ملت ایران از کشیدن تریاك حاصل
 میشود نوشته بود گفت هلاکیش چیست؟ گفت مگر کاردر
 دنیا بی علاج میشود يك افرادی دوسه میلیون هستند
 شربت ترك تریاك از این تریاكهای موجودی درست
 کنید هرچه هم که هست جمع کنید و صادر کنید
 اگر يك عده ای هم تلف میشوند بگذارید بشوند
 ولی نسل آنها خراب درناید (دکتر راجی - کسی
 تلف نمیشود) من نمیدانم چه جور ناطق محترم منتقد
 بود که آزاد شود تریاك بیاورند بکارند بکشند آقا
 الان که جلوی گرفتار شده است یعنی يك فردی که
 آلوده هست باین امر بجای سه مثقال شاید مثقال
 بتواند با بودجه خودش خریداری کند کم کم شاید
 حال مزاجش بهتر بشود و يك روزی ترك بکنند
 ولی وقتی آمد آزاد شد و مثقالی دو قران خرید
 دیگر آنوقت چه باقی میماند؟ (دکتر راجی -
 الان هم آزاد است) ولی مثقالی ۲۵ قران امروز
 خریداری میشود بنده يك آشیزی داشتم حقوقش
 را تمام میداد تریاك وقتی که تریاك یکقدری گران
 شد سخت شد ناچاراً ترك کرد امروز بهترین صورت
 را دارد آقا وقتی آمدند و خون ملتی را فاسد کردند
 آنچه میخواهند میکنند و حس اینکه ما سرمان را
 بلند کنیم و بگوئیم آقا این عمل را چرا با ملت
 ایران میکنید نداریم یعنی ایرانی يك وضع غریبی
 پیدا میکند اینجا يك عکسی است که پسر من از
 لندن برای من فرستاده است میگوید ببینید بیچارگی
 ملت ایران را چه جور عکس برداری میکنند و اینجا
 میفرشند پسر اگر تو بهین پرست هستی کوشش
 بکن که این وضعیت نباشد دیگر نمیدانم پدرش را
 اینجا فحش میدهند و هوش میکنند مگر میکنند
 يك قدم برای این مملکت بردارد (فولادوند عکس
 چیست آقای باتما نقلیچ) عکسی است از لندن فرستاده
 شده است از وضع ایران و حال و چادر و آن
 خودگی و بیچارگی (مسعود نابتی- آنها که حالا
 نیست دیگر) آقای ناطق محترم در همینجا فرمودند
 که ۱۰ میلیون دلاری که آمریکا از خود ما گرفته و
 میتواند یعنی قانون وضع شده است در امریکا که هر
 اسلحه ای در دنیا فروخته شده است پولش را برای
 پیشرفت فرهنگ دنیا مصرف کنند من جمله در ایران
 که ده میلیون دلار از همان پولی که راه آهن خریداری
 کرده موجود است ناطق محترم فرمودند ما این ده
 میلیون دلار را نسیوهایم و نمیکیریم آقا برای چه
 نمیکیریم ما اگر پول داریم فرهنگمان را توسعه
 میدهم (مهندس رضوی - ماحق خودمان را باید
 بگیرند ما گدائی نمیکشیم) از ملت فرانسه یازد ملت
 های دیگر زیادتر خیال نمیکند باشیم که امروزه
 میگویند ما پول خودمان را میگیریم میدانید زبان
 همین حرف چه بوده ؟ من حالا ثابت میکنم کم
 میخواهم بگویم نتیجه يك کلمه حرف يك نماینده
 پشت این تریبون زبانش این است که ملت ایران
 همیشه گرسنه باشد (مهندس رضوی - شرایط راهم
 بخوانید) با همان پولی که یکی از دوستان هرزمن

رفته فرانسه و حالا بهترین مهندس ها است باهمین
 پول هم میشود هزاران جوان ایرانی برود آنجا و
 بعد هم ما مذاکره کنیم که در همانجا از همین پول
 استفاده بکنند
مهندس رضوی - من با پول گدائی نرفتم
رئیس - آقای مهندس رضوی ماده ۱۲۷ را
 ناچارم درباره شما اجرا کنم
مهندس رضوی - تمام حرفهای من را تعریف
 میکنند .
رئیس - شما وقت دارید بیائید اینجا دفاع
 کنید .
باتما نقلیچ - جناب آقای امیر اشرف آن
 پول هم مال ما است ما نیایستی میدادیم با آنها وقتی که
 گرفتند حالا که پس میدهند نگیریم ؟ منطق من
 این است ، میدانم حالا من شاید یکقدری سرم
 خراب است ، میدانم آقا نتیجه این سخنرانی اینجا
 چه بوده ؟ یعنی همین هیئت که آمدند برای برنامه
 ۷ ساله که تنها نجات این مملکت در اجرائی این
 برنامه است نروند بجنوب و نروند با ذوبایجان و قهر
 بکنند بگذارند بروند تا این برنامه اجرا نشود ،
 و آبهای ما همیشه بهدر برود و معادن ما همیشه
 زیر زمین باشد آقا ما نیم کاپران را بدبخت میکنیم
 من هستم که ایران را بیچاره میکنم ، (مهندس
 رضوی - خودتان الحمدالله بیچاره هستید کی مخالف
 اجرای برنامه است ؟ چرا تعریف میکنید ؟) اجرای
 برنامه آقای بوداییان بدون پول نمیشود ، وقتی که
 پول نداشتید این کار نمیشود ، وعده هم ندهید وقت
 ملت ایران را خراب نکنید ، چرا این ملت و این
 مردم بیچاره را گرفتار و پریشان میکنید ؟ کسانی
 که بچه هایشان تا بیست سالگی کفش پایشان نیست
 بیغود و عده بیجا چرا میدهند ، بدانند که بیچارگی
 آنها در نتیجه وجود همین باتما نقلیچ ها است
مهندس رضوی - شمارای ملت دلسوزی نکنید
رئیس - آقای مهندس رضوی بشما طبق ماده
 ۱۲۷ اخطار میکنم
باتما نقلیچ - اگر جناب آقای رئیس من يك
 کلمه از این حرفها مزدم اخراج میکنید
رئیس - دو اخطار کردم و ماده ۱۲۷ را که
 منع از مذاکره است اجرا میکنم آقای باتما نقلیچ
 بفرساید .
باتما نقلیچ - راجع بحجاج بنده حاجی هستم
 شخصاً و با ایلمانی که دارم بجمع و روسپاه یهلوی
 تمام این آقایانی که علاقمند بجمع رفتن بودند شرفیات
 میشود مملکت آمدن پشت این تریبون فریاد زد
 گرفتارها این است آب نیست ، دارو نیست ، غذایست
 هزاران بدبختی برای این حجاج بیش میاید بکنند
 اینجور بروند کسی اشتباه نکرد و آن رفیق من
 بخودش قدرت نداد که بیلاهیجانی رفسنجانی بگوید
 اگر آقا بروید چهار این گرفتارها میشود (مهندس
 رضوی - درس اخلاق بمن ندهید) (اردلان - مستحیبات
 اهالی اردیل را هم بفرمائید) آقای اردلان بیست
 دقیقه اگر به بنده مهلت بدهید تمام حرفهایم را
 میزنم من بیشتر نوشته هایم را کنار گذاشتم چون
 من نظری ندارم تبلیغات هم نسیوهایم بکنم بیست
 دوره دیگر هم زنده باشم و کیلم در این مجلس زبرا
 اردیلی ما بقدری محکم پشت سر من هستند که

حمام داشته باشند و سائل گردش و تفریح داشته باشند تا تر داشته باشند همه چیز داشته باشند، این چه زندگی است که ملت ایران میسکند؟ از نخست وزیرش تا وزیرش همه ناراحت هستند، شما خیال میکنید شما که وزیرید راضی هستید که زندگی میکنید؟ من که سرمایه دار هستم راضی؟ یا هر فرد سرمایه داری که وجدان داشته باشد وقتی وضعیت مردم را باین حال ببیند میتواند سرمیزش غذا بخورد؟ (مهندس رضوی - خود نشان مردم را بیچاره میکنید؟) اگر روزی خواستید از این فقر و پریشانی برون بیایید چهار پنج عمل مثبت باید شروع کنید، همین امروز شروع بکنید از همین الان لایحه ای جناب آقای ساعد بمجلس بیاورند که هر فرد ایرانی حق دارد هر نوع معدنی در هر کجای ایران که غیر از آن منطقه باشد استخراج بکند از سال سوم ۳۰ درصدش مال دولت باشد ۷۰ درصد مال استخراج کنند. (مهندس رضوی - غیر از کدام منطقه؟) (فرلادوند - آخر باید با وضع یک قانونی آن امتیاز را لغو کرد همینطور که نمیشود) دوم اینکه هر فرد ایرانی حق دارد هر کجای ایران بخواهد سدی به بندد بیاید از وزارت کشاورزی اجازه بگیرد و آن سدا را به بندد و تا بیست سال یک شاهی ندهد بعد از بیست سال ۳۰ درصد مال دولت باشد (صحیح است) آقای هر وقت دولتی را روی کار نگه داشتید کار میشود، آقای دکتر سجادی حالا جلوی چشم من افتاد این راه آهن را جناب آقای دکتر سجادی کشیدند یک دو سال معاون بودند یک سه سال وزیر بودند ولی مطمئن بودند که هیچ مقامی نمیتواند ایشان را متزلزل کند، اگر میرفتند بایشان میگفتند که آقای دکتر سجادی خواهش میکنم که برادر من را معاون بکنید و اگر نکردید استیضاحشان میکردند نمیتوانستند بکنند آن نقشه ای که داشتند برای اصلاح مملکت وقت داشتند زمان داشتند قدرت داشتند هیچکس نمیتوانست او را منحرف بکند کارشانرا مختل بکند، میگویند ملت ایران نمیتواند کار بکند این راه آهن سرتاسری آقا شوخی نیست به بیند آقا وقتی که هر جای دنیا بخواهد یک چنین راه آهن سر تا سر بکشد چقدر زحمات دارند و ما با سرمایه خودمان توانستیم بکشیم، دلار یک تومان ارزش دارد بیونصد تومان ارزش دارد و شروط بر اینست که ما حاضر بشویم گونی بیوشیم اجناس خارج نیاستی بایران بیاید ما بیاستی معادن ایران را استخراج بکنیم تا مملکت از این فقر بیرون بیاید اگر دیدید یک کارخانه چی خیانتکار است چوبه دار، من اگر یک روزی قدرت داشته باشم چهل چوبه دار بیا میکنم کارخانه چی یا هر کس که بخواهد حقوق ملت ایران را پایمال کند بدار آوزانش میکنم (فرلادوند - با قانون آقای باتساقلیج) البته صحیح است و اما اینکه چرا برنامه مفصل و آرزوهای طلائی در برنامه آقای ساعد درج نشده آقایان باید بدانند که قید اینهمه اصلاحات و ذکر آن در برنامه شرط انجام و ضامن اجرائش نیست یعنی هر چه روی کاغذ نوشتیم عمل نیست باید گذاشت عمل

بکنند، الان جناب آقای ساعد بلا تکلیف هستند باید به ساعد بگوئیم با اتفاق آراء بشه رأی بدهیم این عمل را میکنیم بروید شروع بکنید پشتیبانی هم میکنیم اگر دیدید خلاف شد استیضاح هم بکنید ورای خودتان را هم پس بگیرد ولی گنه کرد در بلخ آهنگری، کردن مسگری نباید باشد (احسن است) بلکه آنچه منظور همه را تأمین میکند همکاری و موافقت کامل آقایان نمایندگان و مهلت دادن کافی بدولت فعلی است که بتوانند تدریجاً خطهای دیگران را اصلاح کنند، اساس مثبتی را بی ریزی نمایند و الا دولتهای متزلزل که دانشادر معرض استیضاح و هجوم توهمات گوناگون است قادر نیست که برنامه های ابتدائی را انجام دهد (صحیح است) و تذکرات و سخنرانی هم وقتی مفید است که از صورت حرف خارج و به مرحله عمل گذاشته شود، دو صد گفته چون نیم کردار نیست (صحیح است) هفت سال است همه دولتها بدون اینکه کاری انجام دهند تمویض میشوند و روز بروز به پریشانی و فقر ملت ایران افزوده میشود اکثر نمایندگان از طرز اداره کشور ناراضی و میل دارند مردم را از این وضع رقت بار نجات دهند (صحیح است) چند تن دیگر که کسانی هستند که انشاءالله بدون سوء نیت کلمه مخالف را شمار خود قرار داده بهیچ قیمتی حاضر نیستند بگذارند یک قدم مفید و مثبتی برای ملت ایران برداشته شود ۱۶ ماه وقت گرانهای ملت را تلف کردیم دولتها انتخاب نمودیم و بدون فرصت عمل از کار بر کنار کردیم ابروی رجال مین پرست را ریختیم آخرین آزمایش تاکی؟ دولت آقای حکیمی چه عیبی داشت؟ ولی نگذاشتیم یک قدم مفید برای کشور بردارد و از روز اول دست آنرد با شرف و پاکدامن راستیم و آنقدر در راه اومشکلات ایجاد نمودیم که از ادامه کار مأیوس شد (صحیح است) حتی گفتند که گوشان سنگین است و حال آنکه گوش او فقط برای شنیدن توهمات بیجاستیکن بود (صحیح است) و بیشتر وقت کابینه اش بجواب استیضاح گذشت و بعد هم ساقط شد، یکی از موجبات اساسی کافلب کار را از افراد و رجال کشور سلب نموده است اینستکه همیشه اشخاص را از طریق تهمت و افترا از میدان خارج میکنند هیچ عملی بدن ملت و زمان انجام نمیشود و دولتهای دوسه ماهه که آنهم تماش در معرض استیضاح و حملات باشند کاری از پیش نمیتوانند برد (صحیح است) برای مثال عملیات شاه فقید اشاره میکنم اوضاع نأسف آور قبل از زمامداری آن فقید برای اغلب آقایان پوشیده نیست در آن موقع امور جاری کشور در تمام شئون را که و ناامنی و هرج و مرج بجائی رسیده بود که عبور از طرق و شوارع غیر مقدور، پشت دروازه های پایتخت مردم را هلاکت کرده بقتل میرسانیدند در مسافرت بنقط دور دست جان و مال مسافران هر آن در معرض تجاوز راهزنان بود در نقاط هشایری اسمی از قدرت و حکومت مرگزی برده نمیشد و همیشه برادر کشی و زدو خورد بین آنان ادامه داشت تا آنکه به تیوغ ذاتی و استمداد آن فقید بود که ایرانی بان آشفتنکی و پریشانی را بمرتکب و جنبش داده است و از مردمی ناتوان و فاقد همه چیز دولتی مترقی و آبرومند بوجود آورد، اما عامل انجام آن نقشه های وسیع و تشکیلات مفید از قبیل برقراری امنیت و ایجاد راه

آن و راههای شوسه تثبیت پول ایران، تعادل بازرگانی تکثیر صادرات و توازن بودجه و هزاران کارهای مفید دیگر ثبوت دولتها و اطمنان بقای طولانی بر سر کارها که مهلت میداند نقشه های طرح شده آن فقید وارد مرحله عمل و نتیجه کرد. کارشکنیا و متنی با فبجای مفرضانه چشم پوشیدن از مصالح کشور بفتح جیب جراث خود نمائی نداشت (صحیح است) و زوری که نقشه کار اصلاحی را بوزارتخانه خود میبرد بقیه داشت انجام و اختتام آن معظور و رمانی او را از بیشرقت ممانعت نتواند کرد و برای عملی شدن آن نقشه زمان کافی و مهلت ضروری در اختیار خواهد داشت سبب تقاضاهای شخصی او را از جای نخواهد کند، مثلاً منی آقا ساعد بگویند که هزار یونو برای لندن بدهید وقتی ندادند استیضاح بکنند، حب و بغض افراد در عزل و نصب او موثر نخواهد بود بنا بر این میرفت و با دقت لازم با انجام نقشه طرح شده همت میگماشت اما دولتهای هفت ساله اخیر نه آن مهلت را داشتند و آن اطمنان راه بقای خود بر مستند مسئولیت، بدون مدت و زمان هیچکاری حتی نفس کشیدن عملی نیست خداوند هم بانه قدرت و حکمت خودش عالم رادر شش روز خلق کرد (احسن است) دولتهای ما برای اصلاحات وقت میخواهند تا همه مشکلات را بر طرف سازند چند روز است برنامه دولت جناب آقای ساعد در مجلس مطرح است و ایشان بتصدیق غالب آقایان مرد متین و با شرف و فداکار که در مواقع مشکل جسارت و همت خود را نشان داده و نگذاشته اند منافع ایران پایمال شود (صحیح است) و در مقابل سرنیزه و تهدید نیز هراسی از خود نشان ندادند و در مقابل هده و تطمیع افتخار فقر و پاکدامنی را بر جاه و جلال آلوده ترجیح میدهند، با آنکه ممکن بود مبالغه سرسام آوری بایشان عرضه شده باشد حتی روزی که برای معالجه بخارچه میرفتند امید نداشتند که بتوانند مخارج خود را تا بهبودی کامل تأمین و فراهم کنند (صحیح است) بعقیده بنده یکی از بهترین دولتها دولت جناب آقای ساعد است (صحیح است) کابینه ایشان هم از مردمان شرافتمند و مین پرست و فعال تشکیل گردیده است برنامه ای هم که به مجلس آورده اند مثل همه برنامه ها خوب تنظیم شده و گمان میکنم از بحث زیاد در اطراف آن غیر از ائتلاف وقت نتیجه دیگری نخواهیم گرفت بایستی بدولت ایشان رأی اعتماد داد و وقت داد بروند با پشتیبانی اکثریت مجلس مشغول کار شوند و اگر در حین کار اشتباهاتی مرتکب شدند با آنها تذکر داد و چنانچه نتیجه حاصل نشد با دلایل واضح با ایشان مخالفت کرد اما دلیل این نباشد که من میخواهم برادر را سرپرست معصلین انگلستان بکنم اگر نکرده ایم شما را استیضاح میکنم (دکتر بقائی - مگر از نظام بیرون می آید؟) آن برادر را میگویم که سالها در بیت استاد اصفهان بوده من این برادر سرتیب با تا ناقلیج را نمیگویم اگر چه بنده دیگر عرضی ندارم فقط اجازه بفرمایید ۵ دقیقه از روی ساعت راجع بمنطقه خودم عرضی بکنم (بفرمایید) (صبر زانده - و بعد از آن خانه بدهید) اگر چه در جلسات قبل آقایان نمایندگان محترم آذربایجان مشروحاً اوضاع فلاکت بار مردم آذربایجان و نواقص اداری و اجتماعی آنسلمان را تذکر داده اند ولی اینجناب بسهم خودم از نظر وظیفه ای که بر عهد

دارم بکنم نواقص و وضع عمومی حوزه انتخابی خود اردبیل را بسم آقایان برسانم و از جناب آقای ساعد انجام آن را بخواهم اولاً طرز سلوک کارمندان بامردم بهیچوجه رضایت بخش نیست جناب آقای ساعد آذربایجان رنجیده است افراد آذربایجانی از خانه و زندگی و همه چیز مدتی پراکنده بودند و افکار خودشانرا حتی از دست دادند چون میدیدند آن موطن حقیقی آنها دارد از دستشان بهمانوسی که مشاهده فرمودید میروند آنها حالا بطوطن اصلی خود برگشته اند و تازه میخواهند یک زندگی درست بکنند و هر کسی که گاو شتر را بر دند یا فروختند حالا میخواهد کاری بخرد و زراعتی درست کند این را همین مأمورین ماله همان عملی را که در جا های دیگر مثلا عرض کنم اصفهان چون من با افراد اصفهان خیلی احترام میکنم ولی خوشبختانه شانس هم با آنها همکاری نزدیک کرده و در زمان جنگ استفاده کرده اند ولی آذربایجان استفاده نکرده ولی مأموری که رفتند همان دستوری را دارد که به مأمور اصفهان رفته داده شده جناب آقای گلشایبان این قسمت راجع به مأمورین وزارت دارائی است - مالیات را وقتی اینها بیچاره و پریشان بودند در این کنار خیابان بلا تکلیف قدم میزدند از اینها مالیات میخواهند من نمیدانم چرا؟ مگر اینها بد کرده اند مگر اینها خیانت باین مملکت کرده اند من تقاضا میکنم که اگر لازم است لایحه بیاورند بجلس همان نقطه انتخابی من و شما اینها بیچاره شده اند اگر لایحه لازم است بیاورید نمایندگان محترم هم بکمر دمان قاضی با وجدان هستند میتوانند بگویند اساساً بشود کی با آنها داده شود، چرا نشود بشود کی؟ مگر آنها از ما نیستند؟ مال ما نیستند؟ آنوقتیکه می گفتند آذربایجان عزیز همین افرادی بودند که اینجا خون خوردند - اگر شنیدید که دو نفر چهار نفر آذربایجانی با آنها همکاری کرده نکرده اینرا بدانید آذربایجانی خون پاک ممکن نیست خیانت بملکشان بکنند (صحیح است) آقا یاد داشت بفرمایید تقاضا میکنم جناب آقای گلشایبان آقای اشرفی هم اینجا هستند چنان فشار میآوردند و کاش این فشارها برای دولت ایران بود برای ماله مملکت بود من تقاضا میکنم تکگراف بکنید این فشارها را بیاورند، اگر هم لازم است یک مأمور حساسی برای ما بفرستید، وزیر دادگستری که نداریم بنده ناچارم که از دولت جناب آقای ساعد خواهش بکنم بنده ۱۶ ماه است نماینده اردبیل هستم تقاضا میکنم دادیار و امین صلح نداریم هر کس پدرش ببرد اینها باید انحصار وراثت بدهند نمیدانند کجا بدهند چه بکنند! تمام کارها از هم گسیخته شده جناب آقای ساعد من اسم هم نمیرم اما بشت این تریون مجلس قسم بکلام الله معید خورده ام اگر این وضع را نگویم خیانت کرده ام. در یک موضوعی ما بین دو نفر دعوی بود بن خبر دادند که یک چک پنج هزار و پانصد تومان گرفته شده گفتند همین حالا گرفتن من فوراً وارد شدم سر این موضوعی گفتم چک را در بیابور یک قسری ایا کرد گفتم آقا میگویم بگریخت چون بر که دزدی در جیب داشت ناچار شد خواهش کرد که آبروی من را بر چک را گرفتم گذاشتم بقلم چک حاضر است چون نام

شخص را من وظیفه ندارم بپریم تقاضا دارم که اینها را شرشانرا از سر مردم اردبیل بکنند. (اردلان شرشانرا از سر مردم ایران بکنند) وزیر بهداری هم که نداریم بهداری اردبیل فقط اسم بی مسامی است، اردبیل، خلخال، هم همین طور، همه جای آذربایجان تقریباً همینطور است (امامی اهری - بگوئید اهر هم شش ماه است رئیس بهداری ندارد.) اهر را هم آقای اهری میگویند ۶ ماه است رئیس بهداری ندارد ولی اردبیل یک سال است ندارد بنده وقتی صحبت میکردم تعداد جمعیت منطقه انتخابی خودم را چهار صد و پنجاه هزار نفر گفتم یک کسی یک نامه بمن نوشته بود که اشتباه کردی چهار صد و پنجاه هزار نفر نیست خواستم به آن آقا بگویم که من منظورم از شهر اردبیل نبود از آستارا بود صد و پنجاه هزار نفر جمعیت روی تناسب آقا بایستی باینها دارو تقسیم شود بتناسبی که تمام ایران تقسیم می شود رئیس بهداری بفرستید جناب آقای ساعد اضافه داردم میخواهیم، از حق جاهای دیگر میخواهیم احصائیه ای نام شهرستانها دارد روی آن احصائیه برای ما هم دارو بفرستید این تقاضای مشروع من است یا نا مشروع نمیدانم. راجع بانظمامات و روحیه نظامیان مایه تحسین است حسن مراقبت تیمسار سید شاه بختی و خدما، صادقاته سرهنگ هاشمی و سرتیب دولو فرمانده تیب شایان تجلیل است و انتظار دارم که وزارت جنگ و ستاد ارتش که حتی با نداشتن فرش زیر پا ریاست محترم ستاد ارتش از زحمات ایشان کسه با نداشتن حتی یک فرش زیر پا سرهنگ هاشمی خانه اش من را دعوت کرد یک فرش زیر پا ندارم همینطور میگویند خائن است (مهندس رضوی - هیچکس نمیکوید) انجام وظیفه میکند قدر دانی بکنید جناب آقای وزیر جنگ تقاضا میکنم این را قدر دانی بکنید در موقع انتخاب من نبوده که فکر کنید که من دارم برای او تهیه می بینم این آنوقع نبوده در موضوع فرهنگ از جناب آقای دکتر سجادی تقاضا میکنم احتیاجات شهرستان اردبیل را با توجه بجمعیت آن که از چهار صد هزار نفر تجاوز میکند در نظر بگیرند آقا یک بدبختی برای اهالی اردبیل پیش آمده این را عرض میکنم افراد اردبیلی که بجای چراغ بوته روشن میکنند ولی تحصیل میکنند یول هم ندارند نفت بخزند بکمتر به امتحان هم میدهند قبول هم میشوند بکمتر به فرهنگ آذربایجان مینویسد و احضارشان میکنند آقا آن کاغذها را بفرستید همه تان تقب دارند آقا دردنیای متمدن که معصلین تحصیل میکنند هزاران گذشت میکنند زیرا یک معصل وقتی دکوراژه شد و مأیوس شد دیگر ممکن نیست بتواند تحصیل بکنند (صحیح است) بایستی معصلین یک قسری چشم پوشی بکنند آقا قضاوت چشم پوشی بکنند چه جور میشود یک معصلی که یکسال زحمت کشیده ما یک قدم میگذاریم یعنی هیچ برود نظام وظیفه تمام شد ولی تا حدودی که میسر است بصر من با نوع من و بنامین زیاد میغورد ولی او نان خشک هم گیرش نمی آید بخورد اینرا توجه بفرمایید آقا اردلان هر جا بایستی وضعیت همانجا را در نظر بگیرند یک روز در دوره دولت آقای حکیمی گویا بود گذشت که

۶۰ درصد برای ولایات منظور شود، ارز دولتی برای ولایات منظور شود، آقا باینکه آمدند به تهران بر گردند سر جاهایشان آذربایجانها چند نفرشان خواسته اند که کارخانه کوچکی بیاورند چون جوانهای پاک و سالم ولایتی دارد از وجودشان کار بگیرند آقا تا امروز اصلاً بتقاضاهای تریب اتر داده نشده و کسی امتنا نکرده اصلاً ارزی که باید به آذربایجان داده شود داده نشده بنده یک شرکت برق در اردبیل تاسیس کردم اعلیحضرت هم ایونی سی هزار تومان اعطای فرمودند و ۲۵ هزار یونو برای آن شرکت برق خواستیم که یک برق ۵۰۰ کیلوواتی بیاوریم که بتوانیم کارخانه های پشم بافی و نساجی را در آنجا برقرار کنیم تا امروز نداده اند و قبول هم کرده بودند که بدهند و بنده رفتم آن شرکت را تاسیس کردم حالا که آمدم می بینم میگویند که آقا لازم نیست پانصد کیلووات باشد دوست کیلووات کافی است، آقا این اساسی است اگر کارخانه برق اردبیل داشته باشد سایر کارخانه های اردبیل می توانند بکار بیافتند بیه آب می آورند سه متری باب میرسد اردبیل چاهش حداکثر تا ۵ متر باب میرسد و میشود با پمپ ها آب بیرون بیاورند در اطراف شهر می توانند خشکبار برای صادرات تهیه کنند نمی دانم چرا نمی خواهند بنده خودم هم نمی دانم در حال از جناب آقای ساعد تقاضا دارم یاد داشت بفرمایند بوزارت اقتصاد ملی بیست و پنج هزار لیره برای برق اردبیل بدهند و ۷۵ هزار لیره هم برای کارخانه پشم بافی درخته از نمایندگان محترم تقاضا می کنم با دادن رأی اعتماد بدولت جناب آقای ساعد از کابینه ایشان پشتیبانی نموده و بدولت فرصت دهند تا بتوانند انجام خدمات ملی کشور توفیق یابد و بودجه کشور برای تصویب تقدیم شود تا دولت بتواند هزینه های جاری را تأمین نموده و محتاج بتصویب یکدوازدهم بودجه در آخر هر ماه نشویم وهم چنین در تصویب برنامه هفت ساله زودتر اقدام فرمایند که در درجه اول با ساختن سد و آبیاری اراضی حاصلخیز و موتوریزه کردن زراعت و استخراج معادن هزاران نفر اشتغال به کارهای عمرانی نموده و کارمندان را بدولت بکارهای مولد تروت مشغول شوند باین ترتیب هم از بودجه سنگین دولت کاسته میشود و هم صادرات کشور رو باز دیاد میروند و تولید توسعه میابد واقماً باعث شرمندگی است که کشور ایران با دارا بودن زمین های حاصلخیز فراوان و هوای معتدل بجای این که صد ها هزار تن غله مازاد بخارچه صادر نماید برای تهیه افراد خودش معطل باشد ولی اجرائی این برنامه در صورتی به نتیجه مثبت میرسد که انجام آن بعهده هیئت مسؤلی واگذار شود که با سقوط و تغییر دولت ها متزلزل و متوقف نشده و بخدمات خود ادامه دهد و البته انصاف آن ها بایستی بتصویب مجلس بوده و در برابر مجلس مسئولیت داشته باشند دیگر مرضی ندارم و قضاوت را با آقایان محترم واگذا میکنم رئیس - پیشنهادی رسیده برای حکفایت مذاکرات

احمد دهقان - مخالف هستم

رئیس - از طرفی عده کافی نیست برای رای و برای مذاکره هم الان کافی نیست و مقدمه هم سه نفر از آقایان اجازه خواسته اند که طبق ماده ۱۰۹ صحبت نکنند آقای وکیل آقای فرامرزی آقای مهندس رضوی ده دقیقه تنفس داده میشود و دورتبه مجلس تشکیل میشود.

(مقارن ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و پس از یک ربع ساعت مجدداً بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید)

رئیس - آقای وکیل بفرمائید

وکیل - بنده اسم خود را در جزء آقایان نمایندگان که در برنامه موافق و مخالف اسم نوشته بودند نوشته بودم مذاکراتی هم نداشتم ولی آقای مهندس رضوی در نطقشان موضوعاتی اظهار کردند یکی هم راجع بشخص من بود که البته فردایش تغییر دادند چون يك كلمه ای استعمال کرده بودند بنده از این میگفتم برای اینکه مقام مجلس بالاتر از این است که بنده در باره امور شخصی صحبت کنم (احسن) موضوعی در پشت سر آن اظهار کردند که نباید بلا جواب بماند گفتند شرکت های دولتی در آنجا يك اشخاصی متصدی بوده اند و يك اشخاصی سوء استفاده هائی کردند (مهندس رضوی - صحیح است) اولاً باید آقای مهندس رضوی بگویم بنا بگفته فلان مایون ظاهر امر با حقیقت فرسنگ ها دور است اشخاصیکه میخواهند قضاوت کنند بهتر است بجای قضاوت از روی ظاهر حقیقت راجستجو کنند و من میخواهم از آقا خواهش کنم که چه در حالا چه در آتی دقت بفرمائید مثلاً جنابعالی فرمودید آهن را انحصار کرده اند جنابعالی تحقیق هم نکردید که این انحصار است یا نیست بنده عرض میکنم که آهن هیچوقت انحصار نبوده است (مهندس رضوی - نگفتم انحصار عرض کردم وارد کرده اند) لطفاً قطع کلام نکنید همه وارد کرده اند حالا شرح می دهم ۱۲ مرداد ۱۳۱۳ صبح مرحوم داور مرا دعوت کرد و گفت من خواهش میکنم روزی دوساعت با وقت بدهید که ما انحصار قند را با مشورت و نقشه شما اداره کنیم شاهد بنده آقای دکتر سجادی است که آنوقت رئیس گمرک بود تلفن کردند ایشان آمدند بوزارت ماله يك فرار دادی باینده امضاء کردند که بنده روزی دو ساعت برای ایشان بنام مشاور کار کنم من عرض دو ساعت روزی ده ساعت کار کردم يك قراردادی که آقای تقی زاده دروزارت دارائی خود با حسن نیت و بانام مساعی وزارت ماله با دولت شوروی بسته بودند که سه سال سالی هفتاد هزار تن قند و شکر خریداری نموده بودند دو سال عمل کرده يك سال آقای تقی زاده يكسال مرحوم داور شاهد من آقای دکتر سجادی اینجا نشسته اند قند تنی ۱۴۰ تومان را ۱۰۰۰ تنزل داده بیش از ۸۰۰ هزار تومان تغفیف دریافت گرفتیم ۲۵۰ هزار تومان توفیر لاف گرفتیم تقدیرو میدادند دو ماه بدست خریدیم آنها صدی ده هوار یعنی ملکوک را حساب نمیکردند من قیمت ملکوک حساب کردم تفاوت تسعیر نرخ پول نقره را نکذاشتم بگیرند از يك معامله ای در عرض دو ماه قریب دو میلیون تومان نفع رساندم یعنی نرونی که

از این مملکت بیرون میرفت بنده جلوگیری نکردم شاهد هم میگفتم که حالا تصادفاً اینجاست بعد از مدتی ایشان وقتی که هشتی بشوروی میرفت ۱۶ نفر دعوت شده بودند بنده را هم از طرف ماله بریاست آقای اطم جزء هشت فرستادند پس از مراجعت مشاهده کردم که دولت ایران قراردادی با دولت شوروی اولاً بهتون بگویم مسائل اقتصادی ایران مشکل ترین مسائلی است که امروز وجود دارد (صحیح است) بدلیل اینکه ما گرفتاریم در دو قسمت یکی در شمال یکی در جنوب در شمال در همسایه اشوروی مرکزیت انحصار صد درصد در دست دولت شوروی است در جنوب آزادی است دولت شوروی در اقتصاد با تمام دنیا همین طور است دولت شوروی همسایه ما دوست ما ۱۷۰۰ کیلو متر با ما هم مرز است ما هم باید با آنها دوستی بکنیم و این را بنده وقتی حس کردم مرحوم داور هم حس کرد که افراد بطور انفرادی در برابر چنین تجارتی نمیتوانند بایستند اجباراً دولت باین تجارت باید مرکزیت بدهد قراردادی بین شوروی و دولت ایران بسته شد در ماده ۱۰ آن دولت ایران بدولت شوروی ۴۲۵۰۰ تن بیشه ۶ هزار تن بشم دو میلیون جلد پوست ۴۰ هزار تن برنج بشوروی فروخت در مقابل از شوروی خرید ۶۰ هزار تن شکر ۱۸ هزار تن آهن ۱۰۰ هزار تن قماش نخی تمام این قراردادها را بنده تهیه کردم با امضای مرحوم داور تمامش دروزارت دارائی هست یکی یکی بیاورید به بینید این قراردادها با چه ایمان و مسامحه و دقت تنظیم و منعقد گردیده که نماینده تجارتی بعد از فوت مرحوم داور آمد در وزارت اقتصاد ملی نشست و گفت ما در اقتصاد با وکیل مفلوب شدید مثال پطر کبیر را آورد و گفت پطر کبیر با سوئد دو مرتبه جنگ کرد و در هر دو جنگ شکست خورد باز گفت برویم گفتند مفلوب میشویم گفت تجربه مان زیاد شد این بار غالب خواهیم شد باین قراردادها و معاملات ما اغلب در برابر شرکت مرکزی مفلوب شدیم ولی امیدواریم روزی غالب شویم میدانیم چه کردم کلیه اجناسی را که ما در شوروی خریدیم باید در بنادر و گمرکات ایران تعویل داده شود یعنی تمام در گمرکات ایران عمل کمیت و کیفیت انجام شود بدون قیمت صورت در هر روز بیاید بنمایندگی تجارتی نمایندگی تجارتی صورت حساب پولی را بفرستد بؤساست معین آنها در هفت روز بعد از رؤیت بدهند این عمل مدتی طول میکشد چندی که ما فروخته بودیم اگر بنا بود در گمرکات تعویل بدهیم میگفتند این نمره يك نیست نمره ۴ است چون نمیتوانستیم برگردانیم باین ترتیب خسارت وارد میآمد بنده مجبور بودم قبول کنم از اینرو جنسی را در محل تولید فروختم و گفتیم بیاینده در محل تولید کمیت و کیفیت را تعیین کند و تعویل بگیرد اگر نمره يك را نمره سه تلقی میکرد قبول میکردیم و از جایی دیگر تعویل میدادیم در مدت سه سال این ترتیب عمل میشد بعد آمدند این ترتیب را بهم زدند این ترتیب سالی میلیونها تومان برای دولت و ملت ایران منفعت داشت بنده نمیخواهم عرض بکنم بنده را جنابعالی فرمودید کم سرمایه کم سرمایه گی افتخار برای بنده است بنده سرمایه ام خدا و وجدانم است (صحیح است - احسن) جنابعالی بفرمائید حالا

بنده حسابش را میدهم بنده در ۱۲ مرداد ۱۳۱۳ وارد گمرک شده بجای روزی دوساعت ده ساعت کار کردم تا ۴ شهریور ۱۳۱۴ شرکت مرکزی و سایر شرکتها تأسیس و در ۲۶ آذر ۱۳۱۹ وقتی امیر خسروی وزیر ماله شد شرکتها منحل و بنده استمفا دام هانوقت بیلان کلیه شرکت را دادم و امضاء گرفتم روزی هم که مرحوم داور انتحار میکرد بیلان دادم چند ساعت قبل از وقت از من بیلان خواست چون تا آن روز بیلان داشتم ولی بعد از من در همین مجلس وقتی که من گرفتار بودم هزار میلیون ریال اعتبار گرفتند مطابق قانون اوردیبهشت ۱۳۱۹ و تا کنون يك ریال حساب ندادند اینك اسناد موجود این بیلان با مضای آقای دکتر ظاهری که در حرکت بودند و من افتخار می کنم که با ایشان کار میکردم که با مضای ایشان و مرحوم احمد امین زاده رسیده بنده هم یکی از خدمتگزاران این کشور بودم و هم ۳ قران هم حسابش را داشتم جنابعالی يك جاسه ای فرمودید که ماشین آلانی که آوردند و درست کرده بودند حساب نداشت ولی درست آدم های درست بود تمام حساب داشت تمام این اوراق را پراکنده کردند از آقای یرسم بنده را جنابعالی فرمودید که وکیل يك مرده و شیار و زرنگی بود اگر من خودم و شیار و زرنگ بودم و نمی خوردم البته نمی گذاشتم دیگری هم بخورد در پشت این تریبون اعتراف می کنم از ۱۲ مرداد ۱۳۱۳ تا ۲۶ آذر ۱۳۱۹ که مشغول کار بودم تا چند سال دیگر بکنومان برای من اختلاف و سوء استفاده پیدا شود يك تومانش را هزار تومان جرم میدهم این بود تفصیل خدمات خود اما آمدم بر سر اینکه چون راجع بهمین قسمت است بنده از لطف جناب عالی و آقای بانا نقلیج اگر آقا کم مهربانید و ایشان بر مهر هیچ اهمیتی باین مطلب نمی دهم من نام این نطقها را باعث ترقی و نفع این مملکت می دانم برخلاف دیگران من عقیده دارم که همین ها موجب ترقی مملکت است مرحوم رضا شاه باین مملکت خیلی خدمت کرد (صحیح است) بزرگترین خدمات را کرد ولی نبودن آزادی در مقابل این خدمات هیچ است همین حالا لایحه آوردند برای سلب مصونیت قائم مقام الملك از هیچکس نفس در نیامد بنده این نطقها را تماماً مفید میدانم آزادی قیمت دارد (صحیح است) ولتر بیکی از ناطقین میگفت من بانام نطق تو مخالفم اما جانم را میدهم که تو بتوانی حرف بزنی هر يك دقیقه را که تو میتوانی حرف بزنی من تقدیس می کنم آزادی قیمت دارد نه پول و ثروت به بیشه دول متعده در واشنگتن برای حقوق بشریت چه میکنند و چه نوشتند هر فرد باید از حیث جان و مال و شرف و حیثیت آزاد باشد (صحیح است) امروز در دنیا دو فکر مبارزه میکنند یکی فکر مرکزیت یعنی مرکزیت دادن تمام امور در دست دولت و يك فکر دیگری در دنیا مبارزه میکنند و میگوبد باید تمام افراد در تحت آزادی و لوای قانون اختیار داشته باشند البته تابع قانون نه هر که هر چه میخواهد بگوید فرق است بین آزادی و اینکه بنده هر چه دلم بخواهد برم بگویم (صحیح است) يك عالی می گوید اول خودت را تحت

فید بیاور تا آزادی را بتوانی بدست بیاوری یعنی اول باید قانون حدود آزادی را معین کند اگر گفتند از وسط خیابان نرو باید اطاعت کنیم بارهاست این اصل در کشور من آزاد هست ولی نه اینکه بگویم من آزادم وسط خیابان راه بروم بنده چند سال در امریکا بوده ام و مطالعه کرده ام این مملکت باین آزادی تمام زندگانی تحت قید و نظامات قانون است اگر توی خانه نان بچه نان را بزیند پلیس درب خانه نان را میزند اگر بیاده روی جلو خانه تا نرانیز نکرده باشد پلیس درب خانه را میزند و میگوبد این بیاده رو را چرا روبرو نکردید اینها معنی آزادی است یعنی بکنند ممکن است بیاید ۸ روز صحبت کند هر چه دلش میخواهد بگوید اما بدیگران نباید تحویل کند من وکیل اگر بخواهم فکر خودم را بدیگران تحویل کنم سلب آزادی کرده ام آمدم بر سر اقتصاد مملکت امروز دولت امریکا و انگلستان و فرانسه و فلانند و هلند و بلژیک و سایرین اینها میکنند تجارت و اقتصاد درست افراد و در تحت لوای قانون باید باشد از طرف دیگر دولت شوروی و چند دولت دیگر هم هستند آنها میکنند که ما مرکزیت میخواهیم کدام يك خوب است من کوچکتر از آن هستم که این ادعا را بکنم درباره این عمل باین بزرگی دنیا بتهائی قضاوت مینمایم ولی آنچه تصور میکنم اینست که حکومت ورزیم ما روی آزادی و دمو کراسی است اگر روزی رژیم ما برگشت ما اطاعت می کنیم ولی وقتی رژیم ما این است قانون ما مجلس ما دولت ما شاه ما ملت ما همه این رژیم را قبول کردیم بنا بر این برخلاف این رژیم قدم برداشتن سلب آزادی کردن است (صحیح است) توجه کنید اقتصاد تجارت صنعت کشاورزی عیناً يك علمی است مانند موسیقی و تابلو و صنایع ظریفه معلومات و تجربه سایرین دراز هم لازم دارد در هر جزئی قسمتش یکتدره غفلت شود از بین میرود این کارها اشخاص بخصوصی میخواهد و بکنور هوگو میگوبد هیچ کشوری روی سمادت نمی بیند تا زمانی که آنجا فقر و جهالت باشد من مدعی هستم که جهالت اساس آنست نه فقر در عین حال باید کوشید از راه تولید و از زیاد درآمد جهالت رافع کرد (یکی از نمایندگان - آقا فقر است که تولید جهالت می کند) در هر صورت اما در عین حال تقدیر بنده را آورده در قسمت تجارت انداخته که بلکه از این راه بتوانم خدمتی کنم تجارت هب نیست که گفته اند الکاتب حبیب الله بنده صبح تا هروب میخواهم در این مملکت مفید واقع شوم وقتی مرا آوردند من خیلی خدمت کردم باین مملکت و يك اشخاصی بن کمک می کردند عرض میکنم که تولید اول پروگرام و آرزوی من در این مملکت است من اینجا عرض می کنم تولید یعنی از بیاد محصولات زراعت و کشاورزی و بشرطه همین در این کشور باید کشاورزی با اصول صنعتی اداره شود یعنی فلاحت این مملکت که بهترین میوه های دنیا را دارد يك کارخانه کمبوت سازی ندارد بیش از دو هزار کارخانه کمبوت سازی در امریکا است يك متخصص از کالیفرنیا آمده بود اینجا بماند چه جستجو میکرد؟ انگور و وحشی ایران را جستجو میکرد تمام اینها را برید برداشت برد ما چه کشاورزی داریم کشاورزی نداریم صنعت نداریم اگر ابتکار را بدست مردم بگذاریم و مردم را آزاد

بکنیم و کمک بکنیم چه کارهای مفید اساسی خواهد شد بقیه من دولت که وظیفه دارد حامی و ناظر بدون دخالت (رضوی - بنده هم همین را عرض کردم) بنده با قضا هیچ اعتراضی ندارم بنده يك اصحاب کوچککی برای آقایان میخواهم کارخانه های دولت دارد اساس آن شاید از ۲۰ کارخانه بیشتر نباشد ۱۶۸۶ میلیون ریال برای آنها مصرف شده ۲۴۵۰۰ قوه اسب دارد ۲۹۴۰ میلیون خرج شده ۸۴۴۰۰ قوه اسب دارد ۵۰۹۲۳ کارگر کار می کند یعنی می خواهم نتیجه بگیرم این مخارجی که بدست دولت و تشکلات آن شده مقایسه کنید آن که بدست افراد ملت شده سرمایه کمتر برده اگر تناسیب را بگیرد بنده چهار کارگر کار می کند من استعدا می کنم از آقایان مسائل را با حساب قضاوت کنید اگر این کارخانه های قند این کارخانه های نساجی اینکارگاههای دستی پارچه را در زمان جنگ نداشتیم پارچه را متری ۲۰ تومان نمی دادند چرا شکر را که من خریدم بود هر کیلو ۸۵ دینار بیاورید و ختنند ۱۵۰ ریال خوب دقت کنید تناسب ۱۵۰ ریال را با ۸۵ دینار پارچه که خریدم بودیم زهری ۲ ریال بشما فروختند ۸۵ ریال ۲ سال از جنگ گذشته بود باز آهن را می فروختم تنی ۱۳۰ تومان بعد آهن را فروختند تنی ۲۳۰ تومان (مهندس رضوی - کی فروخت؟) آقای مهندس رضوی اگر ميل داشته باشید من و شما می نشینیم من شما را با وجدان می دانم اگر چند نفر هم میخواهد بیاورید که قضاوت کنند که کی فروخت و کجا فروخته تا بداند بدید این کشور چه در آورده من بیش از این تصدیق نمیدم دنیا دنیای قوی است وقتی شما اینجا حرف میزنید چرا از آمریکا حرف می زنید از تبت حرف نمی زنید از هندوچین حرف نمی زنید برای این که این قوی شده ما هم باید قوی بشویم من نمی گویم قوی برای جنگ یا تعدی بلکه قوی در عقل قوی در تدبیر قوی در اخلاق بیش از این عرضی ندارم (احسن)

رئیس - آقای فرامرزی

فرامرزی - آنچه سبب این مشاجره شدو تا اینجا کشیده شد مرا بیاد يك حکایتی انداخته که يك آخوندی قرآن درس میداد بيك بچه و این بچه که قرآن میخواند يك آیه ای نمی دانست و آن این بود حکایتی است که در قرآن است وان عليك اللعنتی الی - يوم الدين یعنی تا روز قیامت لعنت بر تو این را شیطان می گوید این بدون این که چیزی بگوید چه گفت آقای معلم تا روز قیامت لعنت بر تو معلم گفت لعنت بر تو و پدر مادرت گفت آقای پدر مادرت این تو نوشته اینرا هم بگویم؟ (خنده نمایندگان) آنچه سبب شد که من وقت خودم وقت مجلس را تلف کنم این است که آقای بانا نقلیج مثل آن بچه يك چیز هائی می گفتند که آن تو نوشته بود اگر هر چه میگفتند این تو نوشته بود کار باینجا ها نمیکشید فرمودند که من فحش میدهم فرامرزی تو برو چند مقاله دیگر فحش بده من اینجا از مجلس شورای ملی يك قضیه را خواهم میگفتم که میتلا به حسوم است و آن قضیه فحشی است که دائماً میگویند روزنامه ها فحش میدهند من خواهم می کنم از مجلس که حدود فحش را معین کنند که چه فحش است و چه فحش نیست اگر مقصود این است که این چیزها را انگوریم هر که هر چه خوش نیاید

ما آنرا نگویم این که سلب آزادی است اگر فحش توهین باشخاص است یعنی آن کسانی که اسمش را فحش گذاشته اند دوره چند ساله که بان شاهد است که که بان فحش نمی دهد (صحیح است) (مهندس رضوی - مقالات شما اسباب انتقار شماست) فرمودند تجار سرشانرا باین انداخته اند ما هر چه میخواهیم بگویم ایندوره که بان در دست آقایان تجار و اغلب نمایندگان مجلس شورای ملی هست من هر روز که میآیم اینجا می بینم که آقایان تجار با من صحبت می کنند راجع بمقالات که بان حتی تجاریکه در مجلس هستند از قبیل آقای نیک پور و آقایان دیگر من از ایشان سؤال می کنم دوره که بان درجائی بایشان فحش داده است؟ بنده يك چیز دیگر بشما بگویم از جایی که بنده انتقاد شده ام و شوهر لار و لنگه کسبان فقط تجارت است و همچنین قصبه بست که بپتوانم آنرا باین شهر و قصبه بگویم آنجا ارتزاق مردم از تجارت است و علت خرابی آنجا اینست که دولت تجارت را منع کرده و دست آن ها را بسته و شهر لنگه کبکی از زیباترین بنادر دنیا بوده است امروز يك خرابه ای است و در مقابلش کوبت و شاره آباد شده و غیر از اینها چند شهر در کشور سمودی عربی آباد شده که روزی که بنده تهران آمدم يك خانه هم در آن بود تمامها جرین این قسمتها هستند که دولت آن ها را نداشت فشار فرار داده و کسب تجارت را از دستشان گرفته قدم بدم که میخواهند حرکت کنند جلوشان را میگیرند و بازی در می آورند پس من نماینده تجار هستم من تجار توهین نکرده و نمی کنم اما فحشی که ایشان میفرمایند دوقضیه است که بکیش را دوست ندارم بکنم ولی ناچارم برای دفاع از خودم عرض کنم روزیکه اعتبارنامه ایشان مطرح بود موافقین ایشان پیشنهاد کردند که رأی مخفی گرفته شود و این خلاف قاعده رأی مخفی بود من نوشتم بدون این که کوچکترین توهینی بایشان بکنم آن شماره روزنامه هم است ممکن است در بیارم نوشتم آقایان اگر شماعقیده بيك امری دارید راست و پوست کنده رأی بهش بدهید اگر هم بهش عقیده ندارید چرا مسئولیت را بین خودتان و آن هائیکه نمیخواهند رأی بدهند میخواهد لوث کنید چرا میخواهد خودتان از آن چیزی که بدنامی میداند بفرار بکنید و این را ببیند از بد کردن مجلس که مرکز نقل مملکت است و بیش ملت ایران موهون بکنید هیچ بایشان توهین نکرده ام و نگفتم که این رأی خلاف وجدان و خلاف حقیقت بوده فقط گفتم که این عمل را چرا کردید دیگر در قضیه آن سصد و پنجاه هزار دلار آزادی است که آقای مهندس رضوی فرمودند و ایشان تکذیب نکردند و تصدیق کردند و گفتند که من این کار را برای خدمت بمملکت کردم من نوشتم شب آدم خوابیده صبح بيك چنین ارزی بدش بیفتد در حدود يك میلیون و پانصد هزار تومان ثروت دارد این خدمت را يك بار هم بیا بدهید چرا همیشه شما می کنید (خنده نمایندگان) حالا ایشان امروز فرمودند که بیایند من بشما واگذار می کنم اگر حقیقه ایشان بن و اگذار میکنند از ۳۴۰ هزار دلار را من منتهای امتنان را از ایشان دارم و آن از آقای دکتر آشتیانی استدها می کنم که این ارز را اسلش را بدهید بخودشان و ما از این نفع سازمان خدمات شهنشاهی ضبط کنید من می دانم که آقایان صورتش را درست کرده اند برای اینکه

می‌دانند که در این مملکت چشمه‌هایی هست که اگر برای طلب حقیقت نباشد لا اقل حدود است بنده وقتی می‌بینم هر دو یک اختیار قانونی و یک شخصیت داریم یک دقته او از خزانه عمومی یک میلیون و پانصد هزار تومان گیرش می‌آید و چون خواهی باشم دلم برای مملکت و مردم هم نوسوزد این قدر حدودی دارم که چرا گیر من نیامده و گیر او آمده پس البته خودش را درست می‌کند (متهمند ما را ندی - باید رسیدگی شود که سوء استفاده شده یا خیر) رسیدگی کنند. یک کشیشی دختری داشت این دختر از خودش نبود این دختر را شوهر داد این دختر سه ماهه بچه زایید شوهرش رفت پیش کشیش که من این را نمی‌خواهم عقدش را فسخ کنید گفت چرا؟ گفت بیهوش زاییده! گفت نه همچو چیزی نیست اشتباه می‌کنی گفت چرا گفت مگر بچه را باید چند ماهه زاییده؟ گفت ۹ ماهه گفت حالا هم ۹ ماهه زاییده است گفت چطور؟ گفت چند ماه است که او را زاری گفتی گفت سه ماه است گفت چند ماه زن تو است گفت سه ماه گفت چند ماه زن و شوهرید؟ گفت سه ماه گفت این میشود نه ماهه سه ماهه سه ماهه و سه ماهه میشود ۹ ماه این دهانی فکر کرد گفت حسابش درست است اما نیتانم چرا قلب من قبول نمی‌کند البته صورت درست است بدتر هم رسیدگی کنید همه چیزش درست است ولی نمی‌دانم چرا در نتیجه این خدمات یکمالتی گذا میشود و چند نفر میلیونر؟ (مهندس رضوی - صحیح است - احسن) این فسه ارز که مورد صحبت است یادم هست شرکت آبیاری فارس در حدود ۱۲۰ هزار دلار یا ۲۲۰ هزار دلار ارز تقاضا کرده بود برای خریدن وسایل چاه کنی و کارهای دیگر، اولاً در هیئت وزراء همه چیزش تمام شده بود و درست شده بود بعد افتاد نیتانم به عقده‌هایی که باز هر یکیش کار یک افلاطون و ارسطوست بالاخره آمدند و دوفر از آن تقاضا کنندگان در یک روزی نزد من و گفتند که بیاید برویم نزد وزیر کشاورزی برای اینکه کارش که تمام شده تصویب نامه اش هم صادر شده حالا نیتانم چطور شده که بنا نیندهند رفیق آنجا وقتی که نشستیم و آقای وزیر کشاورزی و آقای دکتر شادمان که تصدیق هم می‌کنم که سوء نیتی نداشت و حسن نیت داشت ولی وارد نبود، نشستیم و متخصصین بنده فلان از ماده فلان از بصره فلان را گفتند، نفهمیدیم چه گفتند، گفتن آقا از این ارزی که دولت دارد فارس هم حقی دارد یا خیر؟ گفتند بله گفتن بفرمائید در این مدت چه ارزی بفارس داده‌اید؟ یکی گفت آخر اگر باشد، اگر زیادی بود، آخر نیست و از این قبیل، گفتن من اینها را نیتانم آریا فارس حقی دارد از این ارز استفاده بکنند؟ گفت البته گفتن پس چرا نیندھید؟ این که تمام مقدماتش تمام شده گفت متخصص اشکال کرده. گفتن به بینم این جا که از آن کارخانه ای که آنها میخواهند بفرند متخصص گفته است که من این کارخانه را نمی‌شناسم کارخانه هم از کارخانجات آمریکا بود اینها میگویند اگر این کتابی که راجع به آمریکا نوشته شده واسم این کارخانه هم در این کتاب هست این را قبول ندارید بروید از سفارت امریکام سؤال بکنید گفتند آقا متخصص ما بهتر از سفارت امریکا میداند چون

خیلی متخصص خوبی است - گفتن خوب است چون ما متخصص نداریم که اینها را بداند - الا شما یک چنین متخصصی دارید که آمریکا را بهتر از ایران می‌شناسد و بهتر از سفارت امریکا واقفاً جای سر بلندی است بده یواش یواش که بنده هم مثل جناب آقای مهندس رضوی هستم گرم بشوم در صحت و اختیار از دستم در می‌رود عصبانی شدم (مهندس رضوی - اخبار از دست بنده در نرفت) چرا در اینجا یکتندری در مبرفت. خلاصه گفتن چهل متخصص شما. عدم اطلاع متخصص شما فارس را از حقیقتش محروم می‌کند خوب اگر نیتانم برود بداند ما چه کنیم که نیتانم گفتند آقا نظام نامه ما چنین است و چنان است آخرش گفتند که خلاصه نظام نامه ما این است که وسائل زراعتی و کشاورزی را با این بیان گفتند باید شرکت آقایان وارد کند شما اگر می‌خواهید بروید از آنها بخرید که قیمت امریکا بشما میدهند و آن شخص گفت مطابق صورتی که من دارم صدی ده کارخانه با ارز آنتر میدهند گفتن آقا حالا اگر آنتر میدهند من از چشم شرکت آسودان بدم می‌آید چه اجاری دارم که تو بدهی باو و بین ندمی - خودت بده بین اگر هم واسطه لازم است بگذارید که من واسطه بین او و شما بشوم چرا او بشود این چه حرفی است که شما با بنده بپوش و با وضع یکتندری خنده آور که فقط بدرد خودتان می‌خورد شما یک قسمت از مملکت را از حقیقت محروم کنید و بچند نفر بدهید - بعد از اینهمه فشار اینها فقط بیست هزار دلار دادند بشرکت آبیاری فارس حالا این ۲۰ هزار دلار بعد از آن جا رو چنانچال و آن افتتاح و آن رفت و آمده بود که میگفتند با آنها میدهم و من گفتن شما با آنها میدهم و با اینها می‌گویند از آنها بفرند این چه تبییضی است که شما میکنند مگر دولت مال همه ملت نیست مگر از مال همه ملت نیست؟ (برزین - باز تجار فارس دادند - بتجار همدان حتی یک دلار هم ندادند) اینجا صحبت از فزندی شد البته شاید من و آقای باتمانا نقیچ چیز زیادی در این قسمت از یکدیگر طلبکار نباشیم یعنی شاید ایشان اهانتی بمن کردند و من هم ایشان کردم ولی گفت دقته بدقته و ابیادی اظلم جواب یک چک یک چک است و ظلم آن کسی کرده که اول زده - اما دزدی چیست؟ دزدی تنها این نیست که آدم کند بر داری و از پشت دیوار بالا برود در شب این خیلی مردانگی می‌خواهد (مهندس رضوی - آن فعلاً خیلی شرافت دارد) مادر شما امتحان کردیم که یک خیابان پیاده نمیتوانیم راه برویم ولی یک دزد تمام شب بر سر می‌زند و بعد با علم باینکه قانون هست و شهر بانی هست و پلیس هست عدلیه هست از یک دیواری که مندی میانند از دیوایم رود خودش را در خطر میانند از این خودش یک مردانگی لازم دارد و خطرناک هم هست، جرأت می‌خواهد خلاصه یک چیزی می‌خواهد باین آسانبها ممکن نیست (برزین - این حرفها را در مجلس نگویند جرم است) (حاذقی - تشویق دزدی نفرمائید) آقای حاذقی خودش ادبیات خوانده اند اهل ادبیات هم هستند در مقایسه تیره آن یکی نیست

کردن با دسته بندی در ادارات دولتی و در دولت راه یافتن و قانون انحصار را بفتح خودشان نوشتن و طرز اجراء را طوری قرار دادن که یک ملت از کسب و کار محروم بشود فقط آنها بتوانند از این محصول عمل ملت استفاده بکنند (صحیح است - احسن) یک ملتی در سال مقداری کار میکند، محصول عمل یک ملتی در سال یک مقدار است که صادرات و وارداتش آنطوری که از جناب آقای نیک پور شنیدم چون من درست نمی‌دانم که ده میلیون صادرات ایران است و سی میلیون واردات ایران (حاذقی - البته بله) این ۲۰ میلیون لیره کسر دارد و کسریش را نفت جنوب جبران می‌کند آنچه از ارز نفت جنوب میماند در خارج که اعتبار دولت است و آنچه تجارت میشود حق عموم است (صحیح است) آن ارزی که آنجا هست مال من است و شماست، شما اگر تماش را ببیند بدهید آنها را که دادند دزد هستند و آنها را که میگیرند زدنند (نایتانم کان صحیح است - صحیح است - احسن) پس چه شد که یک عده ای ثروتمند شده اند بعدی که بگلی مافوق تصور افراد ملت ایران است مافوق در کشان است برای اینکه گفت اگر خانه کنی هیزم فراوان، شما یک خروار هیزم لازم دارید یا اگر صارت خراب بکنید ممکن است هزار خروار، ده هزار خروار هیزم گیر شما بیاید اما یک خانه یک صارت با چند صارت و چند شهر خراب شده تا چند نفر دارای چوب شده اند (نایتانم کان صحیح است - احسن) آقایان در این مملکت واحد ثروت صد تومان بوده است میگفتند فرض که رسید صد تومان هر شب بخور جوچه پلو یعنی دیگر آب از سرت گذشته یا می‌گفتند کوچک صد تومانی یعنی آنجائی که حاج آقاها آنجائی که ثروتمند می‌نشند امروز واحد ثروت میلیون تومان هم نیست از کجا می‌آید اینها؟ آقایان ملت ایران امروز که واحد ثروت روی میلیون تومان است ثروت ملی از آن روزی که واحد ثروت صد تومان بوده زیاده تر شده؟ جو کندم و برنج و پشم و دوش آن موادی که ثروت حقیقی است زیاده تر از امروز شده؟ (موسوی - کمتر شده) کمتر شده پس امروز باید واحد ثروت فرد ده تومان باشد چطور شده که میلیونها تومان است (مهندس رضوی - افراد فقیر شده اند) افراد فقیر شده اند یعنی مال همه جمع شده در یک جا در هر بی مثالی هست می‌گویند الارض الواطئ یشراب ماها و ماغیره ها، زمین که وسائش فراهم شده آب خودش و تمام اراضی اطرافش را وقتی که خورد آنجا بر که می‌شود جاهای دیگر خشک است و این جا قامتها آب دارد، مهمترین ثروت ما که البته خاطر من هست که یک وقتی جناب آقای و کیلی که من با اطلاع می‌خواهد باین آسانبها ممکن نیست (برزین - این حرفها را در مجلس نگویند جرم است) (حاذقی - تشویق دزدی نفرمائید) آقای حاذقی خودش ادبیات خوانده اند اهل ادبیات هم هستند در مقایسه تیره آن یکی نیست

با می‌شود زیر سرش میلیونها طلا است یعنی این که این جوری شده. از این مرغها پیدا شده باشد در این مملکت خیلی متأسف هستم که عرض کنم من این پنجابین موافقین و مخالفین دولت که مطالعه کردم و دقت کردم در صحبت کردن آنها بلکه خوشوقت هستم برای این که دیدم یک آدم ضعیف البته ای مثل آقای مهندس رضوی این جا مخالفت کرد و یک آدم قوی البته ای توانا و ثروتمندی مثل آقای باتمانا نقیچ آمد این جا دفاع کرد و امیدوار شدم که دولتی که چنین اقوایی پشتیبانش هستند قابل دوا است انشاء الله و بقول آن شاه که میگوید تو اول بگو با کیان زیستی من آنکه بگویم که تو کیستی همان قیمت آشنایان تو عباری است بر ارزش جان تو دولت با این طرفداران قوی البته... رئیس - آقای فرامرزی شما آن ماده ۱۱۰ را هم بعد از ۱۰۹ ملاحظه بفرمائید - عبدالرحمن فرامرزی - اطاعت می‌کنم مثلاً این جا یک چیزی از برای ما خطرناک است که من می‌خواهم بگویم و ناچارم بگویم و آن تعریف نطق آقایان است در خود مجلس و در خارج از مجلس که این از برای آزادی خطرناک است، این اشعار فردوسی راجع به ارتش ایران کی بارش ایران توهین کرد، یک ناطقی راجع به تمام وزارتخانه ها حرف می‌زند که یکی از آن وزارتخانه ها وزارت جنگ است و یعنی این که اینها می‌خواهند ثروت بکنند و آدم نتوانند حرف بزنند چیست؟ من وکیل هستم. من یک نفر آدم هستم، من که ارتش انگلیسی و آمریکا پشت سر من نیست (صحیح است) ارتش من همین ارتش ملت ایران است اگر نباشد تا من حرف بزنم تمام سر نیزه های ارتش را بفرکت بیندازند بر ضد من من چطور میتوانم حرف بزنم (مهندس رضوی - خیلی متشکرم آقای فرامرزی) چرا می‌خواهید سلب آزادی مجلس را در این قسمت بکنید؟ و سلب را منع بکنید که نتواند در این قسمت حرف بزند اگر منظور آن این است این یک حرفی است طبعی و اگر منظور آن حقیقت است که هیچ و کله مخالف ارتش ایران نیست (صحیح است) همانطوریکه شیر چنگ و دندان لازم دارد همانطوریکه ملتی ارتش لازم دارد (صحیح است) همان طور که آدم نیچیه لازم دارد در موقع دفاع، همانطور هم یک ملتی ارتش لازم دارد (صحیح است) کی میگوید که فلان آدم بر ضد ارتش ایران است؟ بر ضد ارتش ایران آنها هستند که میخواهند با هوو جنجال دهند ما را به بندهند، با ترور دشمنان ما به بندهند و نگذارند که کسی حتی راجع به یک افسر دزدی هم حرف بزند، مگر افسر غیر ایرانی است، همانطور که در وزارت دارائی ممکن است دزد پیدا بشود همانطور که در میان ارتش ممکن است پیدا بشود (مهندس رضوی - خیلی هم زیاد است) چه مانعی دارد یک مثال برای شما می‌زنم و آن قضیه خط مازنیو است همه آقایان میدانند که قبل از جنگ تمام دنیا خیال می‌کردند که فرانسه مقتدر

ترین حکومت است. تمام دنیا خیال می‌کردند که فرانسه بقدری مجهز است که هیچکس نمیتواند با آنجا تجاوز کند و حتی یادم است که در مصر مدیر یکی از مجله‌ها، سفیرای دول را طلبیده بود راجع به جنگ و صلح با آنها صحبت کرده بود سفیر فرانسه گفته بود که از برای ما فرق نمیکند که صلح باشد یا جنگ. جنگ آمد خوش آمد صلح آمد خوش آمد، این حرف او بود گفته بود که ما آتقدرفوی هستیم که جنگ برای ما تأثیری ندارد و فقط از لحاظ دنیا نمی‌خواهیم جنگ بشود ولی آیا فرانسه قوی بود در جنگ معلوم شد که هیچ طیاره ندارد و حتی وزارت جنگ آنها هم نمی‌دانست طیاره ندارد خط مازنیو را که خیال می‌کردند هیچ چیز در آن رخنه نمی‌کند یکی از سنگرهاش که خاطر من نیست سنگر ۱۴ بود یا ۱۶ آن محکم نبود آلمانها میدانستند آنجا محکم نیست ارتش فرانسه نیتانمست برای اینکه هر کسی میخواست حرف بزند، انتقاد کند میگفتند جاسوس آلمان است نتیجه این شد که در یک حمله در خط مازنیو رخنه کردند. خط مازنیو را آلمانها دور زدند ولی یک سنگری از خط مازنیو راهم توانستند با توپ خورد کنند پس آنها ای که میخواهند صیب را بیوشانند و عیب بماند سر جای خودش، برای تملق خودشان، برای تقویت خودشان با استفاده خودشان آنها دشمن ارتش ایران هستند (مهندس رضوی - آفرین - احسن) هیچکس دشمن ارتش ایران نیست (نایتانم کان صحیح است) راجع به یک مازندران که ایشان فرمودند من الان یک کافندی از خانم عفت خلعت بری بمن رسیده است که متأسفانه با خوشبختانه اینجا نیست وقت مجلس را نمیگیرم این املاکی که معروف است میگویند چالوس و بو شهر هم جزو آنست و تا ۶۰ کیلومتر بشرق. این کافندی نوشته خانم عفت خلعت بری است که بن نوشته وبه آقای مهندس رضوی هم نوشته من اساساً میگویم آقایان این املاکی است که دولت در مقابل دینی که مرحوم سه سالار بیانک استقراضی داشته ضبط کرده دیگر هر چه فیراز این باشد حقه بازی و بند و بست است (صحیح است) املاکی است که سه سالار مقروض بوده بدولت. دولت رسیده گی کرد در زمان دکتر میلیسیو در آندهمه نه در زمان رضا شاه و گرفتند و بعد رضا شاه گرفت یا خریدن نیتانم این حالا دوست پارچه اش بیک آدم میرسد؟ آنوقت من دزدم و آنها درستکار (مهندس رضوی - خجالت دارد گفتن این حرفها) عرض کنم در اینجا که من ۲۵ سال است سابقه خدمت دولتی دارم من نمی‌خواهم بگویم که من یک نسل برای این ملت تربیت کرده ام (صحیح است) در هیچ خانواده ای نیست که شاگرد من نباشد در هیچ اداره ای نیست که عده ای از تربیت شدگان زیر دست من نباشند اینها را بنده نمی‌خواهم بگویم می‌خواهم بگویم در مدتی که من روزنامه می‌نویسم، من و کیلی مجلس هستم در اداره بوده ام آقای باتمانا نقیچ یک مورد نشان بدهند ولو پادها که آقا این جا تو در این اداره رشوه گرفته ای یا اینکه فلان مقاله را برای پول نوشته ای یا خیانت کرده ای آخر دزدی باید موردش باشد. ارتش باشد من یک خانه دارم که خیلی از توده ایها هم نوشته من کار ندارم که از

یک خانواده چندین صدساله هستم که خودم هم درست نیتانم پشت اندر پشت من رئیس و کلانتر بوده اند کاری باین هم ندارم شخص خودم یک خانه دارم که این خانه قبل از اینکه و کیلی بشوم قبل از اینکه روزنامه نویسی بشوم از راه پس انداز حقوق معلمی و حق التألیف کتاب قبل از این جریانه دوتا خانه خریده بودم که یکی در خیابان سیروس بود و یکی در خیابان شاهرضا البته جای یرتی بود این دو خانه را فروختم یک خانه خریدم در خیابان حشمت الدوله پول من کافی نبود بقیه اش را دونه از تجار لاری بمن دادند که هنوز هم طلبکارند دزدی یا مورد دارد یا اثر من البته این جسارت را نمی‌خواهم بایشان بکنم من بطور ادا لا اقل میتوانم بگویم کسی که چند سال پیش شوهر ماشین و نگاروس بوده بار می‌برد ببقیاد و می‌آورده چطور شد که دارای ۲۰ پارچه آبادی بقدر خاک سیوس بقول خودشان شده آقا برای من هم موردش را بگویند اینجا می‌گفت که من برده هارا بالا می‌زنم نگاه میکنم می‌بینم خیلی از چیزها را یادداشت کرده ام که بگویم ولی عرض می‌کنم که یک داغ دل بس است برای قبیله. همینها را که گفتن خیلی زیادی بود چون آقایان بفرمایند که من دارم از موضوع خارج میشوم برای اطاعت امر آقایان و آقای اسلامی که بی لطفی بفرمایند مددک من اطاعت می‌کنم و عریاضم را ختم می‌نمایم.

باتمانا نقیچ - آقای رئیس نوبت بنده برای استفاده از ماده ۱۰۹ محفوظ باشد

رئیس - نوبت شما محفوظ است. آقای مهندس رضوی بفرمائید

مهندس رضوی - خداوند را گواه میگیرم که اگر متحصراً آنچه تعریف در هیات این ده، یازده روز می‌گفت میگویم گفتند بگو آخرش داداش تو کچل است (خنده نایتانم کان) (باتمانا نقیچ - نگذاشتید بگویم) حالا بگویند استفاده بکنید از ماده ۱۰۹ و بگویند (باتمانا نقیچ - نگذاشتید) خوب این را هم نفرمائید اولاً حالا برای اینکه کسی که کافندی برای ما نوشته محروم نشده باشد از نظری که در باره بنده کرده و آن خانم عفت خلعت بری است حالا راجع بتسلیم املاک سهم ایشان را افلا بدهید من خیلی ممنون میشوم (برزین - آقا اینها مال دولت است برای فرهنگ مملکت بایستی خرج شود) بنده عرض کردم که مال دولت است، وقتی بیه پاداشتهای خودم و اهانت بشخص من شده اگر این تعریفها و اهانت ها مربوط به شخص من بود از حق خودم صرف نظر میکردم ولی چون موضوع کشور و موضوع ملت ایران است من نمیتوانم از این حق صرف نظر کنم، چون این حق متعلق به خود من نیست و متعلق ملت است ایران است و من از این ماده ۱۰۹ بنام ملت ایران استفاده میکنم. قبلاً در دو موضوع که جنبه ملی و حساس دارد اجازه بفرمائید توضیحاتی بدهم اول یک موضوع بسیار مهم و ملی ایران که ممکن است عریاض بنده سوء تفاهمی برای تاربخ شود توضیح میدهم چون ممکن است آنچه بنده راجع به جریان ایام شهریور همان ایام اسف آوری که بعضی از افراد موظف این مملکت یعنی صاحب منصبان ارشد

بشت یا بوظایف خودشان زدند و این مملکت را بیچاره نادان و طمع و خود پرستی خودشان کردند و راجع باین موضوع ممکن است یک سو تفاهمی برای تاریخ پیش بیاید من باید این جا اعلام بکنم که طبق اسناد و مدارک موجود دو کشور انگلستان و روسیه بهاری که در تاریخ اینجا گمان میکنم سابقه نداشته باشد مملکت کم جمعیت باستانی ایران را اغفال حشر کردند (صحيح است) و حتی در آن ساعتی که به رئیس الوزرای وقت اطلاع دادند دو ساعت قبل ارتش آنها در سرحدات ما مترکز و مشغول بشوروی بودند (صحيح است) این مطلب را بنده در بیانات قبل از دستور خود در روز سوم شهریور ۱۳۲۶ عرض کرده بودم آنچه راجع بر رئیس دولت وقت عرض کردم که میبایستی خبر بدهند منظور این بود که میبایستی مثل یک سیاستمدار هیئت دولت وقت و مخصوصاً رئیس دولت وقت و وزیر خارجه وقت که این جا نشسته اوضاع دنیا را منسجیدند می فهمیدند قیاس می کردند و قبل تصمیم خودشانرا برای آنچه بنام غیر مترقب میخوانیم گرفته بودند ولی آنچه که متفقین ما کردند (یعنی متفقین یعنی) در تاریخ نظیر ندارد که اینطور باشد با کشوری بازی بکنند و اغفال بکنند اینطور هجوم بیاورند اما این موضوع عرض کردم ربطی به عقاید و نظریات موجه و مستند من راجع بخیانت آن عده از افسران ارتش ایران ندارد، آن خیانت بجای خود و این اغفال و ناجوانمردی ملل خارج هم بجای خود محفوظ، یکی را تاریخ ضبط میکند دیگر را اگر توانستیم جبران خواهیم کرد، در اولی هم اگر توانستیم جبران خواهیم کرد، من این جا نمیخواهم یک مطالبی بگویم که حمل بر خود ستانی و حمل بر ادعاهای بی مورد یک کشوری باشد بگویند که شما کوچکتر از آن هستید که با حمله کنید ما خیال حمله نداریم فقط دفاع حقوق خودمان را خواهیم کرد تا زنده هستیم این دفاع را ادامه خواهیم داد (صحيح است) یک موضوع مهم دیگری که باز ممکن است یک سو تفاهمی ایجاد کرده باشد و بسیار کوچکتر از موضوع سوم شهر ویراست، ولی من وظیفه وجدان و ملی دارم عرض میکنم هر مطلبی را که بنده این جا گفتم مگر آنچه را که باین طریق اصلاح کرده باشم و تا مادام صورت جلسهها ضبوط است همه را اول تا آخر تأیید می کنم و هیچ تردیدی نه در عرایض خود دارم و نه آقایان در اسناد و مدارک و دلایل من تردید بفرمایند و قبول بفرمایند که آنچه گفتم حداقل یک اوضاع آسف آورست، اما یک موضوع را عرض کنم آنچه راجع بوزارت خارجه گفتم تمام صحيح بود راجع بکثافتکارهای مأمورین خارج، راجع بشرکت يك دسته یادوسته در این جا با آنها تمام صحيح بود اما آن فهرستی که اینجا خواندم عیب داشت نه اینکه غلط باشد عیب داشت اولاً شامل نبود و ثانیاً مانع نبود یعنی شامل نبود باین عنوان که اشخاص بدتری شاید از چند نفر از آنها بودند که من آنها را نکفتم و من هم در گفتار خودم در متن آن هیچوقت نکفتم که آنها همی که اسم بردم دزدی کردند، گفتم که اینها تقویت از آنها کردند، بهر حال بنده خواستم که اینجا توضیح

بدهم که هیچ نظر شخصی نداشتم و شنیده ام که دو نفر (یعنی بتعقیق يك نفر و با احتمال دو نفر) هم از آنها در ردیف کسانی هستند که باید خارج از این دسته بندها بحساب بیایند، این وظیفه ملی من بود که باید بگویم اجازه بفرمائید خیلی ها از این موضوع صحبت میکنند مذاکره میکنند شاید بکنم که جرایم این مطالب جواب گفته شود ولی چون اعتراضات خصوصی جنبه شخصی دارد فعلاً وظیفه ملی من مقدم است حتی بشوروی که در نتیجه توضیح کتبی اخیر خود شاید بیشتر ضعف خود را نشان داده است و بجرایم چیزی نوشته و جنبه شخصی دارد و شاید بنده يك روزی در این باب هم توضیحی بدهم و همکاران من در مجلس و ملت ایران تشبیس خواهند داد که چگونه مطالب را تعریف میکنند و چگونه اشخاص خودشان باسند کتبی ضعف خودشان را نشان میدهند و وضعی را کتباً تأیید میکنند که از آن باید خجالت بکشند اما در قسمتهائی که امروز مطرح است اول راجع با آقای و کلبی برای اینکه مختصر است مقدم میدارم و بنده منتظر بودم لافل ایشان که معروف است اهل مطالعه هستند آنچه که من گفته ام راجع بخودشان و شرکتها توجه میفرمودند ولی متأسفانه ایشان توجه نکردند من مقصودم از آنچه راجع بایشان گفتم و طبق متنی که در دست همه آقایان هست معلوم میباشد این بود که ایشان کم سرمایه بودند آقای داور دستش را گرفت و گفتم این آقای و کلبی اتفاقاً از اشخاص باذوق و باهوش و با فکر ایرانی است مرحوم داور دست ایشان را گرفت اینها نشستند و هیئت هائی درست کردند و ظاهراً مقدمات شروع کارشان درست بود و رفتند مثلاً آهن را از آجماهای که آهن میفرورشد یعنی از کارخانه های یولاد سازی دنیا خریدند حمل و نقل کردند آوردند تهران میگفتند مثلاً تمام شده است برای ما کیلویی دوقران و قیمت معتدلی هم برای فروش تعیین کردند اما راجع ببندهم کار راجع بامور اقتصادی بنده با اسناد و مدارک و ارقام نشان دادم آنچه را که آقای فرامرزی باین بیان شیواتر و زبانی گویند گفتند گفتند ملتی فقیر شده مدهای متول شدند، ما برای این مبارزه را شروع کردیم و میکنیم نه برای این است که این آقایان بخصوص چرا متول شده اند، ما بظنی نداریم مگر گفتیم که اگر در یک کشور دیگری بود یار در همین کشور سایر مردم هم در رفاه و آسایش بودند مانع تنها جرمی نداشتم خیلی هم خوشوقت میشدم اما چرا آقای و کلبی شما آمدید این جا و مرا مجبور می کنید چیزهائی بگویم که بفتح شما و شرکای شما نیست ولی باز هم خود دار می بینم زیرا من شما و هوش شما احترام دارم و هم من نمیخواهم بیشتر تشنج در این جا ایجاد کنم اما اینکه فرمودید در هیچ کشوری اینطور که شما راهنمایی میکنید ...

رئیس - آقای مهندس رضوی آنچه از بیانات شما تعریف شده بفرمائید

مهندس رضوی - بسیار خوب، بنده عرض کردم در هیچ کشوری غیر از شوروی هیچ جای دنیا امور اقتصادی با اندازه این کشور در دست دولت نیست شما مرد مطلع اقتصادی هستید آقای و کلبی بیایید اینجا بگویند که فلان مملکت هست که اختیار دولت

آن بیش از این دولت است، اگر آمدید من خاموش میشوم، من اعصاب خودم را خیلی قویتر از اعصاب بعضی اشخاص میدانم که اینجا ادعا میکنند غیر از این که حرفهای من را تعریف کردید چه بگویم آقای من گفتم دولت های ایران با در دست داشتن اختیار اقتصادی مملکت آنچه از استبداد اقتصادی که در دولتهای استبدادی یعنی حتی شخص ناصرالدین شاه يك صدم يك هزارم آن را نداشت این اختیاری استبداد اقتصادی را بفتح يك عده محدود و بر علیه ملت ایران بکار بردند (صحيح است) این را گفتم و این را مجلس ایران هم تصدیق کرد و شاید حس کرده باشند که ملت ایران هم تصدیق کرد (صحيح است) و الا اینکه میگویید ابتکار در دست مردم باشد این حرفهای شما گمراه کننده است من کی گفتم ابتکار را از دست مردم بگیرد گفتم بکنار مردم با شرایط مساوی ابتکار داشته باشند نه اینکه اشخاص شب با دولت های وقت تانی بکنند فرار بکنند که این حق را با آنها بدهید و فردا بگویند مغز ما کار کرده است شما بآن ناطق موافق دولت بگویند که در افریقا چنین دولتی و چنین قانونی نیست و نمیشود در افریقا میلیون بشود چرا برای اینکه در آنجا عرض میکنم بایشان بگویند دولتی نیست که شریک شود با يك نفر و از مات بگیرد بدهد بیکسفر این مغز شما نیست این قلب شما است.

رئیس - آقای مهندس رضوی آنچه که تعریف شده بفرمائید.

باتمامتقلیح - شما اول متقلب ایران هستید مهندس رضوی - من اولین متقلب ایران هستم آقای باتمامتقلیح؟ این حرف شما برای من افتخار است.

دکتر بقائی - به پیشینه باتمامتقلیح مهندس رضوی میگویی متقلب راست میگویی این بزرگترین تعریف مهندس رضوی است و افتخار او است!

مهندس رضوی - آقای و کلبی راجع به کارخانه های دولت اینجا باز يك استدلال سفسطه آمیز کردند که برای مملکت ایران خطرناک است گفتند آن کارخانه ها بد چرخید و کارخانه های مردم خوب چرخید پس بدهند بدست مردم آقای و کلبی من که گفتم کارخانه های مملکت ایران را دولت باید بهتر اداره کند و از بانک صنعتی شدیداً انتقاد کردم من گفتم که با ارقام و اعداد اینجا بعداً ثابت خواهم کرد که کارخانه های دولتی یعنی مال ملت چه خدمتانی کردند و همین کار گرو مستخدمین زیادی هم که آنجا الان هستند افراد ایران هستند که در آن کارخانه ها برای ملت ایران کار میکنند و بنام ملت ایران هم نان میخورند (صحيح است) ولی شما چرا جواب مرا ندادید که گفتم در نتیجه تأسیس کارخانه های اصفهان اوضاع مملکت چه شد؟ شما چرا جواب آنرا نمیدهید من که نکفتم اشخاص ابتکار نداشته باشند شما سفسطه نکند بگذارید سفسطه منحصر با آقای وزیر باشد

رئیس - آقای مهندس رضوی اسم اشخاص را نبرید امروز نطق شما سواک بر پر روز است

مهندس رضوی - این يك وظیفه ملی من است اگر حضرتعالی هم بمن کمک نکنید مرخص

میشوم که قانونی بفرمائید قانون مملکت را درباره من اجرا بکنید ایشان راجع ببنده فرمودند من تصدیق میکنم و اعلام میکنم که اقدام و مشورت ایشان در امر قند و گمرک با مرحوم داور یکی از برجسته ترین اقداماتی است که یکسفر مشاور ایرانی میتواند برای مملکت بکند و اعلام میکنم که این نوع اقدام و مشورت ایشان منحصراً بر فرد و بعداً متصرف شد نه تنها بدست خود ایشان بلکه با کمک عده ای و اصلاح نظر فکرشان عوض شد و راجع بقند آقایان تاجر آقایانی که در ایران بدست رفتند اید شما که سابقه و ستان خیلی ها از من زیاد تر است مگر نبود، نبود که تاجر ایرانی قند را وارد میکرد ...

این برای آقای گلشانیان و آقای اشرفی واجب است که این مطالب را بشنوند اما آقای اشرفی که متأسفانه نماینده مجلس حرفهای مرا بشنوند و فکر کارهای دیگری هستند عرض کردم تاجر ایرانی قند را وارد میکرد در همین کرمان ما در یزد شما و تبریز آقایان دیگر و تمام شهرهای ایران و تنها از قیمت گونی استفاده میکرد (صحيح است) یعنی فقط همان گونی برای او دخل بود همه ملت ایران قند داشتند همه هم چائی میخوردند همه هم دها گوی شاه مملکت و وطنشان بودند، چرا؟ برای اینکه آنروز ابتکار حقیقی بود آنروز فعالیت حقیقی بود نه امروز که آقایان مغز دارند و از قانون انحصار تجارت سوء استفاده میکنند یعنی شرکت با قافله و دزدیدن قافله را بخوانند انجام میدهند (نماینده گان - احسن)

اما راجع بمطالبی که همکار دیگر من ناطق موافق دولت گفته اند بنده یادداشت های بسیاری داشتم که از آنچه لازم نباشد حتماً صرف نظر میکنم اولاً استدعا میکنم از مجلس شورای ملی ببینند قضاوت کنند که من بعد از آنکه شرکت های شيلات و نفت را بیای محاکمه ملی کشیدم و با ارقام و اعداد خسارات آنها را باین مملکت ثابت کردم تازه راجع بشرکت نفت و در مورد گازها چه گفتم؟ عرض کردم با این مقدار گازی که خارج می شود و هدر می رود ممکن است شهرهای اهواز و اراك و تهران و اصفهان را گرم کرد و باز گفته اند که اگر بهتر عمل شود یعنی مهندسین امریکائی گفته اند که اگر بهتر عمل شود ممکن است رشت و تبریز هم گرم شود خوب توجه بفرمائید یعنی هم سوخت این شهرها را میدهد هم سوخت منزلی هم سوخت صنعتی بعد بنده از دولت آقای ساعد سؤال کردم اینکه مینویسید مطابق آخرین پیشرفتهای علمی یعنی همین قسم هدر دادن ثروت ملی ایران؟ این مطلب من بود دیگر چیزی در این موضوع نگفتم من تحصیل کرده مهندس هستم و بیش از این حق اظهار نظر بخود ندادم و فقط دولت شمارا در مقابل يك سؤال گذاشتم که بروید متخصص بگردید و تعقیق کنید و شما همیشه فهم و تخصص را انحصار داده اید باروبائی ها بروید بیسید اگر آنها این جواب سؤال شما را بر خلاف نظریه من دادند آنوقت جواب من را بدهید من کی گفتم که اگر از طریق علمی عمل کنند و مارا بیشتر بچايند در شهرهای ما مارا بچايند همه جا را بچايند من گفتم همانقدر را که حالا میچايند جلوش را فوری بگیرد حالا این و کالت است که مطالب ملی مرا تعریف کنند؟ (مکی - ابد)

گاهی از برادر من میگوند گاهی از خود من میگوند گاهی از برادر من که من يك روزی گفتم که شما حقوق انتظار خمشتا را بارز بدهید اشاره میکنند به آقا گفتم که در این مملکت شما که صد ها هزار دلار و لیره را بفت میدید اگر برادر من هم خدمتگزار این مملکت بوده و شما او را خائن نمیدانید و خدمتگزار میدانید و حقوق انتظار خدمت هم با میدیدید اجازه بدهید که حقوق انتظار خدمت را به ارز بدهند تا بمطالعات فرهنگی خود در خارجه ادامه بدهد این رامن گفتم و میگویم برای آنکه مادام که این اوضاع و احوال است من نمیتوانم از این کوچکترین حق اخلاقی خودم صرف نظر کنم تازه این را که من گفتم مگر اصرار کردم؟ مگر ابرام کردم؟ مگر پیچید کردم این روی کافند در وزارت مالیه به لوی آقای گلشانیان است، این در هیئت دولت مطرح شد مگر اینطور نیست آقای این که معنی نبود من یعنی همان شخصی که این حرف را زد و ۵۰۰ لیره برای برادرش این ارز را در مقابل حقوق انتظار خدمت خواست و دولت قبلی یعنی شاید دولت قوام هم داد این ۵۰۰ لیره را بایشان، من بودم که اول در کمیسیونهای مجلس و بعد در مجلس پیشنهاد کردم حتی برای تحصیل هم ندهید برای اینکه جلوی این چپاول را بتوانیم بگیریم این پیشنهاد من است که گفتم به چکس ندهید ولی بهمه و همه و همه يك قیمت بدهید و آن قیمت را گفتم طوری تعیین کنید که منافع مملکت درش باشد آنهم قیمت فروش اما قیمت خرید همین شش تومان و خوردهای را من قانونی میدانم، من خیانت مشرف نفیسی را گفتم من مگر دوست مشرف نفیسی نبوده ام؟ من مگر حتی قوم و خویش او نبودم؟ چرا من را ناراحت میکنید که بعضی مطالب را اینجا بگویم؟ آقایان محترم استفاده از ماده ۱۰۹ در این مجلس همیشه خسته کننده بوده است (فولادوند - مخصوصاً امروز) بنده هم بیاد ندارم که در هیچ موردی از آن استفاده کرده باشم ولی بنا بدستور همان نامه هرگاه مطالب یکسفر نماینده را نماینده دیگر تعریف نماید یا باو توهین کند استفاده از این ماده مجاز شناخته شده و اکنون از مقام ریاست مجلس شورای ملی تشکر میکنم که بمن اجازه فرمودند از این حق خود استفاده کنم نظر من ابتدا این بود وقتی که تمام آقایان محترم همین آقایانی که در مذاکرات برنامه شرکت میکنند مطالب خود را اظهار میکنند و حتی حتماً تمام آقایان وزیران که امیدوارم پس از مراجعه و مطالعه بمتن کامل بیانات من بمن جواب بدهند در آنوقت اگر لازم است بعضی توضیحات بدهم ولی اکنون که نماینده موافق دولت تمام مطالب مرا از سرتایا تعریف نکرده اند آیا میتوانم نظر همکاران محترم خود را باین سوء نیت مفرضانه جلب نکنم؟ (دکتر بقائی - خودش نکرده) علاوه حیرت من اینجاست که آنچه آقای باتمامتقلیح اینجا خوانده با آنچه از قول ایشان باحسامه سرائی بسیار در رادیو گفته شد و حتی آنچه در بعضی جراید منتشر گردید همه با هم تفاوت دارد مثل این است که هرایض من جمع بسیاری را ناراحت کرده و در تلاش خود حتی رعایت ساده ترین مراحل صحبت و امانت را نکرده اند که اقلاً يك جواب بنویسند يك جواب بفرستند و يك جواب بیخش کنند (صحيح است)

بهر حال صرف نظر از آن حسامه سرائیها و صرف نظر از تحریفات بعضی جرائد چون به طور کلی بخصوص از تمام جراید ایران کمال تشکر را در انتشار هرایض و منتقدات خودم دارم و مرکز هم عرض کردم که این منتقدات اکثریت مجلس و تمام ملت ایران است (صحيح است) اکنون آنچه طبق حافظه خودم از گفته های آقای باتمامتقلیح در نظر دارم با دو روزنامه مهم عصر هم مطابقه مسخره ام هر چند همه را تعریف کرده اند ولی در آن قسمتها که تعریف ناروا شده و سکوت اینجانب ممکن است برای مملکت گران تمام شود توضیحاتی بر عرض مجلس شورای ملی ایران میرسانم باز عرض میکنم اگر موضوع شخص اینجانب بود بتعریف و امانت ایشان اهمیت نیدادم برای من افتخاری بود که ایشان هرایض من را تعریف و یا بمن توهین کنند (صحيح است) ولی مربوط بوضع مملکت است آقای نماینده محترم موافق اول دولت گفته اند که از توام کردن خسارات ما در مقابل بیگانگان یعنی شيلات و نفت جنوب و بحرین و طلب ما از دولت شوروی و موضوع شطالعرب و اشاره هائیکه اینجانب بر رفتار امریکائیها کرده ام از تمام این مطالب ایشان استعراج و ادعا کرده اند که با وجود حفظ تعادل که ایشان ظاهری تلقی کرده اند مذلک گفته معلوم است که تمایل بشمال دارد، این را فقط در پارلمان گفتند در خارج و در رادیو دیده نشد اما قدری بدسوقی که با آن اطلاعات علمی جالب خود با اطلاعات آن هائی که برای ایشان نوشته اند (چون آنها هم متأسفانه مستشار نگرفته اند، مستشار دار ندر دستگامشان ولی استفاده نکرده اند) و خواسته اند راجع بوضع شرکت نفت صحبت بکنند گفتند بنده بلند گوی شرکت نفت جنوب شده ام کاش بنده را در انتخاب یکی از این دوره اشمال یعنی راه شمال یا راه جنوب و یا هر دو با هم مردی مصمم معرفی کرده بودند، ایشان این لطف را هم در بیخ کردند گفتند خیر شما حسن نیت داشته اید ولی این نتیجه و تأثیر تلقین دیگران است آقایان انصاف بدهید، من با رقم و دلیل خساراتی که دول شوروی و انگلیس و آمریکا بشما و مملکت شما وارد نموده اند که هنوز هم ادامه دارد در مقابل شما و در مقابل ملت ایران با صراحت اعلام نمودم (نماینده گان - احسن) (آیاد در مقابل این گفتار روشن، این تحریفات ناجوانمردانه یادش شایسته است که بن داده میشود؟) (یکسفر از نماینده گان - خیر) آقای نماینده اردبیل شما و کسانیکه این مطالب را بشما گفته اند بخوبی میدانید که برای من شمال و جنوب فرقی ندارد و همین درجه توازن و علاقه من بتوازن است که شما را شاید ولی آنها را حتماً مشوب و مشوش ساخته است، آقایان من میگویم شرکت نفت جنوب باید حقوق حقه ما را بر طبق معاصبات فنی و صنعتی صحيح و مطابق آنچه امروز در دنیا عمل میشود و حتی گفتم باید خیلی بیشتر از آن بایرید از آن زیرا نشان دادم که از حیث سوابق اکتشاف و نتایج حیرت انگیز جاه های نفت مسجد سلیمان، آغاچاری و گچساران و جاههای نفت شاه که در دنیا نظیر ندارد (صحيح است) بنا بر این باید استفاده ما هم بی نظیر باشد در دنیا، از منابع خودمان و نفت خودمان بشما گفتم

شرکت نفت باید با آخرین اصول علمی طبق قرارداد عمل کند و بطور مثال موضوع هدر دادن گازها را متذکر شدم و آنچه فقط بطور مثال بود حالا حس ابتکار و فعالیت و حس تصدی خصوصی آقای نماینده اردبیل بجوش آمده و حشمت کرده اند از اینکه مبادا روزی در شهرهای ایران مردم بتوانند از نیروی خداداد زیر زمینی خود استفاده کنند و در این قسمت دیگر محتاج بآن جناب و شرکای آنجناب نباشند کی من گفتم که لوله کشی کنند و بشهرهای ما گاز بدهند و بی حساب پول ما را ببرند؟ من بشما گفتم که باید خسارات ما را بپردازند و حساب صنعتی آنها روشن و منطقی باشد و حالا شما این مطالب را بفتح شرکت نفت قلمداد میکنید؟ آقایان! اگر شرکت نفت جنوب مصمم باشد که خسارات گذشته ما را طبق حساب دقیق صنعتی وقتی بپردازد و در آینده هم شرایعی داشته باشد که اولاً از تمام شرایط موجود دیگر دنیا بهتر و ثانیاً در آن موقع بصره ایران نزدیک باشد و از تمام پیشنهاد دهندگان دیگر از هر مملکتی که باشد بهتر باشد و استقلال سیاسی و اقتصادی ما را معترم شماند البته من هم موافقم زیرا من مرد ارقام اهدا شده هستم نه مرد هو و جنجال من گفتم که شیلان باید تمام خسارات گذشته ما را تمام و کمال بپردازد و بادر نظر گرفتن قیمت های بازار آزاد در تمام دنیا از تاریخ بهره برداری تا اکنون آنچه از ثروت دریای شمالی و رودخانه های ما بشمارت برده است مسترد بدارد و از این تاریخ هم اگر واجب است که سه چهار سال بقیه را تحمل نمایند باید اداره امر بصورت یک شرکت ایرانی درآمده و قدم بقدم منافع ما را محفوظ بدارد پس من بلند گوی شرکت شیلان هم بودم؟ من بشما گفتم دولت امریکا حق ندارد پس از آنچه استفاده عجیب ازیل پیروزی ایران، چند قطعه ماشینی مفید و مقدار زیادی اشیاء غیر لازم که حتی صورت آنها را صورت آن اشیاء را در موقع تحویل و نه بعد از آن در اختیار کسی نگذاشته اند و حتی کمیسیون تحویل این کالا خود آن کمیسیون مجهز بصورت کالان بود گفتم در مقابل این چنین معامله نباید دوازده میلیون دلار ما را بگیرند یعنی دوازده میلیون طلای ما را پول گرفته باشند؟ گفتم امریکا حق ندارد خسارات ما را بدولت انگلستان حواله کرده و آن دولت هم بخواهد بپردازد پنج شش میلیون لیره از ما مفاصا حساب بگیرد و بعد برود در کنفرانسهای بین المللی داد عدالتخواهی بدهد آیا غیر از این بود عرایض من؟ (صحیح است) آقایان مخالفت و موافقت در اصول از امور قطعی و مظاهر مشروطیت است (صحیح است) اگر من در ضمن صحبت ایشان واز محل نشستن خود در مجلس این استفاده را کردم و گاهی ایشان تذکراتی دادم فقط برای این بود که تمام مطالب من را تعریف میکردند و خواستم امشب یا فردا که جرائد منتشر میکنند آن کسی که میخواهد بداند که مطلب من این نبوده که ایشان مقدمه استدلالهای سفسطه آمیز خود قرار میدهند برای این که آن ایرانی که این را میخواهد دسترسی ندارد بین و کدام ایرانی هست که امروز با این

اوضاع و احوال خسته کننده اقتصادی حوصله مطالعه متن کامل مذاکرات ما را داشته باشد؟ از رادبودولت چه بگویم من تشکر کردم از آقای ساهد که قسمت اول متن نطق من را منتشر کردند و انتشار عرایض من را بفتح ایران تشغیص دادند ولی نمیدانم چه دستهای ناروایی چه زبانهای وطن فروش و وطن پرور بادی بدهی رفته و اعتراض کردند و جلوی انتشار حقایق را گرفتند و بجای آنها حساسه سرائی های خنک و تو خالی و اشعار فردوسی تعویب مردم ایران دادند. مثل این بود که سربازانی که در مرز هستند من به آنها اجسارت کرده باشم قلم من خورد باشد زبان من گنگ باشد بریده باشد اگر من سرباز و افسر شریف ایرانی توهین کرده باشم من بافسر دزد بافسر چپاولچی و غارتگر حمله کردم و شما میخواهید بنام سرباز ایرانی و بنام آن افسر شریفی که نان ندارد بجهش کفش ندارد شما میخواهید بنام سرباز و افسر شریف ایرانی چند نفر دزد و چپاولچی بازم ببارت مملکت ادامه بدهند؟ فقط همین را میخواهید؟ برای اینکه در سایر کارهای شما با شما شریک هستند، اینجامدار کش موجود است، دهان مرا باز نکنید که بعضی اشخاص را طوری معرفی بکنم که هرگز نتوانند امید اصلاح خود را هم داشته باشند یعنی روی اصلاح نمائی دیگر برایتان ننماند هنوز من جا گذاشته ام که وجدان شما بر گردد بجای خود فکر کنید که باید اصلاح کنید ولی اگر همه مطالب را بگویم و کوچکترین وجدان داشته باشند حتی دیگر خجالت میکشند از منزل بیرون بیایند...

رئیس - آقای مهندس رضوی مختصر کنید
مهندس رضوی - چشم راجع به برنامه اقتصادی ایشان عیناً عرض بنده را تعریف کردند آقایان من گفتم که برنامه اقتصادی مانایند جنبه خارجی معین و مشخصی پیدا کنند و از صورت ملی خارج گردد. آقایان آیا این عرض من شمالی است یا جنوبی یا ماوراء اقیانوس آیا بهتر نیست که دشمنان ایران خجالت بکشند و جایی که در مقابل رقم و سند جوابی ندارند خاموش بنشینند؟ آیا راجع بسائیل داخلی من چه گفتم؟ و شامچه تعریف کردید من احترام خودم را بشخص امعلی حضرت محمد رضا شاه اظهار داشتم و اکنون هم تأیید میکنم (صحیح است). من گفتم که ایشان در قلوب همه ما احترام حقیقی و منتهی دارند حالا هم تأیید میکنم ولی گفتم که احترامات دروغی آن احترامات دروغی برای سوه استفاده از اسم و قدرت ملی ایشان است، برای این من ایشان را از این دروغ گوین و غارتگران بر حذر کردم و وظیفه ملی خودم را انجام دادم. هنوز هستند کسانی که وجدان ندارند، شرف دارند و با ایشان مذاکره میکنند. صحت میکنند یقین دارم که این اشخاص حقیقت مطالب من را با ایشان خواهند گفت و از خود ایشان هم خواست میکنند. استدعا میکنم آنچه که من در مجلس شورای ملی گفته ام وقت شریفشان را صرف فرمایند و تمام را بخوانند (فراموشی - یعنی صورت از اینجا بگیرند) یعنی متنی که اینجا در مجلس نوشته میشود فقط باین متن توجه فرمایند من از شخص آقای ساهد

چگونه تشکر کنم زیرا بعد از آن حلات بدولت ایشان که البته منظورم هم چنانکه مکرر گفتم تنها دولت ایشان و شخص ایشان و دولت بخصوص نبود آمدند بیرون بمن گفتند که شما معادل یک ارتش صد هزار نفری برای احقاق حق این مملکت خدمت کردید. آقای ساهد شما بمن نفرمودید؟

ساعده (نخست وزیر) - چرا صحیح است

مهندس رضوی - این افتخار برای من بس است آقایان اما تالیق که ساهد همان شخصی که او هم مثل ما اینکار دارد نه فعالیت خصوصی دارد نه حس تصدیش مثل شاجیر رفته او بمن گفت با این بیانات خودم و با این که جنبه وقت مجلس را گرفته معادل یک ارتش صد هزار نفری خدمت کرده ام ولی خیال نکنید که من این را حمل بر خود ستائی می کنم و عرض می کنم این کمال اعلا ایشان است که بمن اظهار فرمودند من ناقابلتر از آن هستم که یک چنین خدمتی بتوانم باین مملکت بکنم من نه تنها احترام خودم را بشخص شخص امعلی حضرت محمد رضا شاه پادشاه جوان و تحصیل کرده تأیید می کنم بلکه بتشکیلات دفاعی مملکت آن تشکیلاتی که حقیقه با روح سربازی و مجهز بافسران شریف در گوشه و کنار این مملکت از مرزهای مادافاو و یاد داخل مملکت حفظ امنیت می کنند نسبت بآن تشکیلات هم بطور اعم، بطور کلی احترام خودم را تأیید و تاسکید می کنم اما از آن تشکیلات عده بخصوصی را بنده جدا کردم و اکنون هم جدا می کنم (احسن)

ولی حق نمیدهم مادام که من و کیل مردم کرمان هستم و اینجا نشسته ام کسانی که از یک طرف در تجلات فرقه باشند و از راههای مختلف و از جیب ملت بیچاره بکبسه شرکای خود پول بریزند برای همان دستگاه بتوان و بهانه نداشتن اعتبار کافی جهت خوراک و پوشاک سرباز و یاهوینة سفرا و تا منزل و یا هزینه تعمیر اصطبل سربازخانه فریاد و استقا نه بکنند و باز اعتبار بخواهند که چپاول آنها زیادتر باشد من گفتم اگر پول دارند اول باین ضروریات برسانند نه بتجملات نه بهیشتها، نه بحقوق دادها نه بآن استفاده های سرشاری که اگر اسسش را ببرم خدای من شهادت است که اگر کوچکترین وجدانی داشته باشند از خانه خودشان نمیتوانند بیرون بیایند اینها تمام اسناد و مدار کش بهلوی من موجود است عرض کردم که من ماهها است جواب دوستان و موکلین کرمان را نداده ام الان بهلوی من از طرف مردم سکرمان کاغذ های زیادی است آقایان که کلبه بنده آمده اند دیده اند بک دفتر برآشته یک اطاق شلوغ که کاغذ و تلگراف تویش کم بشود روی هم ریخته من جواب آنها را نداده ام چرا؟ برای اینکه چه فایده دارد که من جواب بکاغذ و تلگراف عمر و وزید بدهم یا تمام هلاکه ای که آنها داشته و دارم جواب ندادم و شاید هم نتوانم بدهم من اینجا گفتم باید مملکت و ملت را از دست این چپاولگری خلاص بکنیم و امیدوارم که این کار را بتوانم انجام بدهیم بهمت شما، بهمت ملت ایران (انشاء الله) حالا آقای نماینده موافق دولت شما میگویند از طرفی ارتش باید در سرحدات باشد و از طرفی در موقع هجوم دشمن اگر افسران عالی رتبه فراز نیبگردند این احتیاطی بود مملکت برای همین هم ارتش هم انتقادات صحیح و مستند ما را بسوه نیت تعبیر میکنند من از شما انصاف

میخواهم از خود شما آیا آنچه من گفتم اهانت بارش بود یا آنچه شما گفتید؟ (صحیح است) من ارتش را تجلیل کردم و شما بارش اهانت کردید من کجا گفتم در ارتش، نفر افسر چه فهم نیست؟ من گفتم در بین افسران عالی رتبه و نصاب ها ۵ نفر که بتوانند یک هنگ را بزمانای امروزی، بهمنای امروزی جنگ بصرا برای دفاع مملکت ببرند وجود ندارد گفتم پنج نفر اکنون برای کمک به مخالفین میگویم سه نفر، شما ۳ نفر را معرفی کنید پس است از نخوت و تکبر و خود فروشی باین مملکت و ملت بیچاره دست بکشید از جان این مملکت از جان این ملت، از جان این ارتش، این ارتش که ما با خون خودمان از آن دفاع کردیم و او را مقدم ترین و دینه خودمان میدانیم چه میخواهید؟ آقایان معترم در امور اقتصادی بنده چه عرض کردم؟ گفتم تمام بازرگانان درست و امین ایران از دست معدودی بازرگان، از دست معدودی بازرگان که باهمال دولت شریک شده اند بجان آمده اند من تنها مصرف کننده را هم در محاسبات و مطالبات خودم داخل نکردم حتی با طبقه تاجر این مملکت تماس گرفتم و شاهد دارم هم اشخاص و هم کتبات تمام آنها تمام آهائی که میل دارند در حجره خودشان در کرمان یا تهران یا تبریز بنشینند و نان مشروعی بخورند تمام آنها از دست این تشریک مسامی دولت و بعضی بازرگانان بستوه آمده اند! من گفتم این تشریک مسامی دروغی است! حالا هم همین را تکرار میکنم و همین فرمایش هکار عزیزم آقای عبدالرحمن فرامرزی بود من مدعی هستم که تجار ایران یعنی آن عده معدود مالیات نمیدهند ولی شما میآید این جا و میگوید که عوائد خزانه و حقوق کارمندان شریف ایرانی از پول مالیات تجار است آقا خجالت نمیکشید؟ شاید شما بملتی را کافر گمرازه از یک کالا میگیرید ب حساب خودتان میآورید آقا این از جیب مصرف کننده است! شما شاید کتر اقتصاد هستید حقیقه؟ آفاهه این فشار بر مردم موجب اضافه شدن هزینه زندگانی شده و من بنام ملت ایران

اعلام کردم که باید باین جریان ها خاتمه داده شود اما راجع بتوصیف هائی که از خودتان کرده اید بهتر است چیزی نگویم ولی شما را که مدعی هستید باندازه خاک سوس ملک دارید و با داخل و خارج تجارت عده میکنید فقط باین چند عبارت از کاغذ یک نفر کارمند دولت نظر شمارا بآن جلب میکنم این کاغذ را در همین ماه بمن نوشته اند چه مینویسد؟ مینویسد چون کارمند دولت هستم نظر بحفظ شئون ادارتی باید با سبلی صورت خود را سرخ داشته باشم چون باقی مانده حقوق ماهیانه بنان خالی ده روز عائله ام آقایان گنشا باین توجه فرمایید شما وزیر مالیه و مسئول امور مالی کارمندان دولت هستید بنان خالی ده روز عائله ام نمیرسد اغلب شبها دوسه نفر اطفال معصوم من از شدت گرسنگی بیقراری میکنند ظرفی را پر از آب کرده بعنوان یخچن غذا انقدر میچوشانم تا این بچه ها بخوابند آقا امضاء دارد آدرس دارد منزل دارد من این نامه را تقدیم میکنم چون بمن محرمانه نوشته میدهم بشخص آقای رئیس مجلس و آقای نخست وزیر این اجازه را بخود میدهم براه ایستکه این دو نفر مقام رسمی از آن مطلع شوند این کارمند یکی از وزارتخانه ها است این شخص حس تصدی ندارد، حس فعالیت خصوصی ندارد، مقر ندارد که در طرف بیست و چهار ساعت میلیونر بشود؟ آقایان من چند مرتبه در ضمن صحبت عرض کردم که انتقادات من اصولی است و برای یک دولت و بکدسته معین صورت چیزی نکرده ام من بنمایندگی از طرف ملت ایران یعنی از رود ارس تا خلیج فارس و از شط العرب تا هیرمند مسئولین اوضاع کنونی را محکوم کردم و در این زمینه بعنوان یک نفر مدعی العموم از اعتبار نامه و کتبی مصونیت خود حدا کثر استفاده را کرده و تا آخر این دوره هم هرجا باشم حقیقت را از مردم کتمان نخواهم کرد معامله انتخاباتی هم با هیچ موکلی و غیر موکلی ندارم ولی یک چیز دارم و آن هم آهنگی تمام ملت ایران با افکار و عقاید و اصولی است که نه بطور منفی و انتقادی صرف بلکه بشکل مثبت

یعنی با نشان دادن راه علاج بیان نموده ام (صحیح است) در خانه هر چند کمیت ادبی من در مقابل بیان شیوا و باد داشت های بر معنی آن جناب لنگ است (خنده نمایندگان) مملکت از کتاب ابتدائی فرزند عزیز خود که دیشب برای کمک بهلوی من آورده بود از یک قطعه آن کتاب این دو بیت را ضمن تهیه این یادداشتها وصف الحال خودم و شما تلقی کردم، زحمت من برای مقصود است جست و خیز تو بهر ملت منی است جز حقیقت هر آنچه میگویم های هوی و بازی و هوسی است اکنون آقایان معترم اگر شما نمیتوانید ملت ایران منصف دست اجانب قرار بگیری اگر شما میخواهید که هوستان شما بفرموده پادشاه جوان ایران حداقل معاش و مسکن و بهداشت و فرهنگ را داشته باشند باید بکلی راه فکر و عمل خود را تغییر دهید (صحیح است) و اما اگر فداکاری سیاسی و از جان گذشتگی من (بنه آقا از جان گذشتگی زیرا تهدید می کنند) در اظهار این حقایق باز هم شما را بیدار نکرده باز با آن سفسطه و حماسه سرائیهای تو خالی و خنک خسته کننده میخواهید مردم ایران را فریب دهید بدانید که مسئول حوادث آینده شما خواهید بود و اگر ملت ایران با جبار با انقلاب خونین دست بزند یقین دارم که برای جبران غفلت و خودخواهی و کوتاهی بیینی آن روز دیگر فرصت تجدید نظر نخواهد یافت

۲- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - باز آقای علی و کیلی و آقایان با تالیق طبق ماده ۱۰۹ اجازه خواسته اند پیشنهاد کفایت مذاکرات هم رسیده است، فردا پیشنهاد کفایت مذاکرات مطرح میشود فردا ساعت ۹ صبح هم من زده میشود.
باز آقایان تالیق - آقای رئیس ۱۰۹ بنده معفو است؟ (مجلس یکساعت و بیست و پنج دقیقه بمدت ظاهر خانه یافت)
رئیس مجلس شورای ملی - رضاحکمت